

بسم الله الرحمن الرحيم

# حقیقت توحید از دیدگاه ائمه

نویسنده:

محمد سالم الخضر

مترجم: مریم محمدی

### شناسنامه کتاب

نام کتاب	: حقیقت توحید از دیدگاه ائمه
نویسنده	: محمد سالم الخضر
مترجم	: مریم محمدی
ناشر	: نشر هدایت
تیراژ	: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت	: ۲۵۰ تومان
سال چاپ	: بهار ۱۳۸۵
نوبت چاپ	: اول
آدرس الکترونیکی	: nashrehedayat@yahoo.com

## فهرست مطالب

### صفحه

- شرک ظلمی بس بزرگ! ۶
- دعا همان عبادت است. ۱۳
- پیامبران گفته‌اند تو چه می‌گویی؟ ۲۰
- اهل بیت با صرحت تمام از خودشان می‌گویند. ۲۶
- توسل چیزی است و کمک خواستن از خالق و ۲۹  
دعای آنها چیزی دیگر!
- واسطه‌ای میان بنده و خالق وجود ندارد. ۳۵
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید مثل کسانی نباشید ۴۱  
که کفر ورزیدند.
- شکلهای پرستش مثل همد و لی مسمی فرق ۵۳  
می‌کند.
- اهل بیت به دوستداران خود توسل مشروع را ۵۶  
آموخته‌اند.
- اهل بیت از الله مدد می‌خواستند تو از چه کسی ۶۱  
مدد می‌جویی؟
- یاری جستن از زهرا و ائمه، یا از خالق آنها؟ ۷۰
- آیا الله سبحانه و تعالی برای بنده‌اش کافی ۸۲  
نیست؟
- شعار دادن دیگر بس است. ۸۹
- منابع ۹۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

﴿الحمد لله مدبّر الملك والملکوت، المنفرد بالعزة والجبروت، الرافع السماء بغير عمد، المقدر فيها أرزاق العباد، الذي صرف أعين ذوي القلوب والألباب عن ملاحظة الوسائط والأسباب إلى مسبب الأسباب، ورفع همهم عن الالتفات إلى ما عداه والاعتماد على مدبّر سواه، فلم يعبدوا إلا إياه، علماً بأنه الواحد الفرد الصمد الإله، وتحقيقاً بأنّ جميع أصناف الخلق عباداً أمثالهم، لا يُتغنى عندهم الرزق والصلاة على محمد قانع الأباطيل، الهادی إلى سواء السبيل، وعلى آله وسلم تسليماً كثيراً﴾.

اما بعد، این کتابچه که هم اکنون در پیش روی شما قرار دارد در مورد وحدانیت و یکتا پرستی الله سبحانه و تعالی می باشد، ابتدا باید از یکی از بزرگان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) کسانی که بزرگشان می پنداریم و به وسیله محبت آنها خود را به الله تعالی نزدیک می کنیم - تشکر کنم که به من پیشنهاد کرد رساله ای آراسته به آیات قرآن و احادیث فرموده ی پیشوایان اهل بیت بنویسم چون نفع زیادی برای همه امت در پی دارد پس به خاطر شوقی که داشتم به

درخواست او پاسخ دادم. با وجود اینکه شرم داشتم از اینکه بر کسانی که از نظر علم و تقوا بر من برتری دارند پیشی گیرم.

اما دیدم که سستی من از نوشتن این رساله همان کتمان علم است مخصوصاً هنگامی که به روایاتی از اهل بیت نبی (صلی الله علیه وسلم) که مخالف ادعای برخی ها که امروزه خود را به آیین و اعتقاد آنها نسبت می دهند آگاهی پیدا کردم.

براستی که در این زمان فتنه ها پشت سر هم آمده اند. چنانچه اگر کسی که دارای دلی زنده باشد آنچه را که می بیند و می شنود ناپسند می دارد و از الله سبحانه و تعالی می خواهد که فتنه اش را در دینش قرار ندهد.

و کدام فتنه بزرگتر از فتنه روی گردانی از آنچه معنی شهادتین «شهادتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» را حقیقت می بخشد. چه بسیارند کسانی که با علم، دیگران را نسبت به شهادتین در فتنه انداخته اند و چه بسیارند آنهایی که از روی تقلید در آن به فتنه دچار شده اند.

پس بر من واجب است که همّت را محکم و اراده ام را با طلب یاری از الله سبحانه و تعالی قوی گردانم. در حالی که در رساندن گفته ام به مردم فقط از او توفیق و استحکام می طلبم. پس اگر آنچه را که می خواستم بیان کنم بطور کامل بیان شد سپاس الله سبحانه و تعالی که با نعمت خودش نیکی ها را کامل نمود و اگر آنچه

می‌خواستم کاملاً بیان نشد از الله سبحانه و تعالی می‌خواهم از پاداش آن بی‌بهره‌ام نکند و این کارم را خالصانه در راه خودش قرار دهد، طوری که ریا و شهرت طلبی در آن نباشد.

و برای اینکه خواننده گرامی بداند راضی نمودن مردم هدفی دست نیافتنی است و کسی که مردم را در مقابل ناخشنودی الله سبحانه و تعالی راضی نماید الله سبحانه و تعالی او را به مردم واگذار نموده و به آنها محول می‌کند، و کسی که الله سبحانه و تعالی را در مقابل ناخشنودی مردم راضی نماید الله سبحانه و تعالی از او راضی بوده و همچنین مردم را از او راضی می‌نماید.

و آخرُ دعوانا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

براستی الله سبحانه و تعالی شرک ورزیدن را بزرگ پنداشته  
پس در کتاب گرامیش فرموده:

### **شرک: ظلمی بس بزرگ**

﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾<sup>۱</sup>.

«بیگمان هر کس برای الله شریکی قرار دهد الله سبحانه و تعالی بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش آتش (جهنم) است و ستمکاران یار و یاورى ندارند».

و در جای دیگری از کتابش فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾<sup>۲</sup>. «بیگمان الله سبحانه و تعالی شرک به خود را نمى بخشد ولی گناهان بغیر از آن را از هر کس که خود بخواهد مى بخشد».

پس الله سبحانه و تعالی متعال خبر داده که بحقیقت شرک را نمى بخشد مگر اینکه از آن توبه شود، ولی الله اگر بخواهد گناهان غیر از شرک را بدون توبه هم مى بخشد.<sup>۳</sup>

۱- سوره المائده آیه ۷۲.

۲- سوره النساء آیه ۴۸.

۳- الشیخ المفید، المسائل السرویه، ص ۱۰۱.



و بحقیقت برای من روشن شده که امام علی (رضی الله عنه) چقدر به این آیه توجه داشته آنجا که در مورد آن می فرماید (در قرآن هیچ آیه ای نزد من از این فرموده الله سبحانه و تعالی محبوب تر نیست که می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾<sup>۱</sup>.

و بخاطر زشت بودن شرک الله سبحانه و تعالی آن را به ظلمی بزرگ معرفی نموده پس فرموده است: ﴿إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۲</sup>.

براستی که شرک ظلم بس بزرگی است، پس هر کس شرک ورزد بحقیقت که به خود ظلم نموده و خود را به هلاکت انداخته است برخلاف اهل ایمان که الله سبحانه و تعالی با فرموده خود آنها را چنین تعریف می کند: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ هُمُ الْأَمَنُ وَ هُم مُّهْتَدُونَ﴾<sup>۳</sup>.

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را با شرک نیامیخته اند امن و امان سزاوارشان است و آنها راه یافتگانند».

۱- التوحید کتاب شیخ الصدوق ص ۴۰۹.

۲- سورة لقمان آیه ۱۳.

۳- سورة انعام آیه ۸۲.

و براستی الله سبحانه و تعالی عمل مشرک را باطل نموده و آن را به خودش باز می گرداند. و می فرماید: ﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>.

«اگر شرک می ورزیدند آنچه عمل کرده اند هدر می رفت.»  
بلکه به پیامبرش محمد (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>۲</sup>.

«به تو و پیامبران قبل از تو وحی شده که اگر شرک ورزی، کردارت هیچ و باطل گردیده و از زیانباران خواهی بود.»  
و برای اینکه توحید خالص تحقق پیدا کند و جهت رهایی بندگان از پرستش غیر الله عزوجل، باشد الله سبحانه و تعالی پیامبران را بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده فرستاده همچنان که الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾<sup>۳</sup>.

«بیگمان در میان هر امتی پیامبری فرستادیم که تنها الله را پرستید و از طاغوت دوری کنید.»

۱- سورة انعام آیه ۸۸.

۲- سورة الزمر آیه ۶۵.

۳- سورة الزمر آیه ۶۵.

پس هر پیامبری که الله سبحانه و تعالی فرستاده است، دعوت خویش را برای امت، با دعوت به پرستش الله سبحانه و تعالی آغاز نموده است.

این نوح (علیه السلام) است که به قومش می گوید: ﴿يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۱</sup>.

«ای قوم من تنها الله را بپرستید. برای شما جز الله معبودی نیست من می ترسم دچار عذاب آن روز بزرگ شوید».

و این هود (علیه السلام) است که به قومش می فرماید: ﴿يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾<sup>۲</sup>.

«ای قوم من الله را بپرستید که بغیر از او معبودی برای شما نیست آیا پرهیزگاری نمی ورزید».

این هم محمد (صلی الله علیه وسلم) است که پروردگارش به او امر می کند و می فرماید: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ إِلَّا تَشْرَكُوا بِهِ شَيْئًا﴾<sup>۳</sup>.

۱- سورة نحل آیه ۳۶.

۲- سورة اعراف آیه ۵۹.

۳- سورة انعام آیه ۱۵۱.

«بگو بیایید چیزهایی را برایتان بیان کنم که پروردگارتان بر شما حرام کرده، اینکه هیچ چیزی را شریک الله قرار ندهید».

در بین مردم می‌گشت در حالی که صدا می‌زد: «قولوا لا

اله الا الله تفلحوا».

«بگوید هیچ معبودی بر حقّی بغیر از الله نیست رستگار می‌شوید» در عین حال عمویش ابولهب از پشت سر به طرفش سنگ می‌انداخت و سخنان زشت می‌گفت.

اگر انسانی که دل زنده دارد ظلم را ناخوشایند می‌داند و زشت می‌شمارد و با ظالمان دشمنی می‌کند و بخاطر گناه بزرگشان نسبت به آنها کینه می‌ورزد، پس باید بداند بزرگترین ظلم، شریک قرار دادن برای الله است. همچنان که این عقیده گذشتگان ماست و انسان مشرک بخاطر بدگمانیش به الله سبحانه و تعالی و دلبستگی‌اش بغیر او سزاوارتر به این است که در راه الله مورد کینه واقع شود.

در حدیث عبدالله بن مسعود آمده که او از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می‌پرسد: «أَيُّ الذَّنْبِ أَعْظَمُ؟ فَقَالَ: أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نَدًّا وَهُوَ خَلَقَكَ!». «و

«کدام گناه بزرگتر است؟ فرمودند اینکه برای الله سبحانه و تعالی شریکی قرار دهی در حالی که او تو را خلق کرده است!»<sup>۱</sup>.

به همین خاطر است که پرهیز از شرک و بیزاری جستن از مشرکین و شرکی که قرار می‌دهند از واجبتین واجبات است. و از همین مسیر است که حضرت ابراهیم از مشرکین و آنچه بغیر از الله سبحانه و تعالی می‌پرستند آشکارا اعلام بیزاری می‌کند:

﴿قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُتِّمَ تَعْبُدُونَ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup>.

«آیا می‌بینید که شما و پدران پیشین شما چه چیز می‌پرستیدند همه آنها دشمن من هستند بجز پروردگار جهانیان».

همچنین در سوره انعام می‌گوید: ﴿يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾<sup>۳</sup>.

«ای قوم من بیگمان از آنچه که برای الله شریک قرار می‌دهید بیزارم».

۱- مستدرک الوسائل ۳۳۲/۱۴.

۲- سوره شعراء آیه ۷۵.

۳- سوره انعام آیه ۷۸.

و این دین ابراهیم (علیه السلام) است آن دینی که الله سبحانه و تعالی در مورد آن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ﴾<sup>۱</sup>.

«چه کسی از آئین ابراهیم روی گردان خواهد شد مگر آن که خود را خوار و کوچک قرار داده».

و الله سبحانه و تعالی مردم را به پیروی از دین ابراهیم تشویق نموده و می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَاؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ﴾<sup>۲</sup>.

«براستی ابراهیم و کسانی که بدو گرویده بودند الگوی خوبی برای شما هستند. آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و چیزهایی که بغیر از الله می‌پرستید بیزاریم، شما را قبول نداریم و دشمنی و کینه‌توزی همیشگی میان ما و شما پدیدار شده تا زمانی که تنها به الله ایمان می‌آورید».

۱- سورة بقره آیه ۱۳۰.

۲- سورة ممتحنه آیه ۴.

## دعا همان عبادت است

بحقیقت دعا همان عبادت است، حقیقتی که انسان ایمان‌دار آن را احساس می‌کند در حالی که بخاطر درخواست خیر دنیا و آخرت دستهایش را بسوی آسمان بلند می‌کند.

و براستی که آیات قرآن و احادیث و گفته‌های اهل بیت (رضی الله عنهم) این معنی را تأیید می‌کنند، پس صراحتاً آمده که دعا همان عبادت بوده و دعا از غیر الله سبحانه و تعالی همان الله قرار دادن غیر اوست و الله از شریک پاک و منزّه است.

نعمان ابن بشیر می‌گوید: شنیدم پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر روی منبر می‌فرمود: «إِنَّ الدَّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ».

«براستی که دعا همان عبادت است سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿وَقَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾»<sup>۱</sup>.

«پروردگار شما فرمودند از من بخواهید جوابتان می‌دهم براستی کسانی که از عبادت من سرباز می‌زنند بزودی با خواری و ذلت وارد جهنم می‌شوند».

۱- ترمذی و دیگران با سند صحیح آن را روایت کرده‌اند.

و در مناجات امام علی ابن حسن (زین العابدین) در کتاب کامل صحیفه سجادیه آورده که من می گویم آیه ﴿لئن شکرتم لأزیدنکم ولئن کفرتم إنَّ عذابی لشدید﴾. و میگویم: ﴿ادعونی استجب لکم إنَّ الذین یتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین﴾.

«دعای تو را عبادت و ترک دعا را تکبّر بحساب آوردی و وعده داده در صورت ترک دعا انسان با خواری وارد جهنم می شود پس بار الها با منت نهادن تو است که ذکر می کنیم و با فضل و کرم تو است که شکر می کنیم و به امر تو از تو می طلبم و در راه تو صدقه می دهم به این امید که برایمانم زیاد کنی»<sup>۱</sup>.

میرزا نوری طبرسی در کتاب (مستدرک الوسائل جلد ۵ صفحه ۱۵۹) از قطب راوندی نقل می کند که ایشان در قسمت دعاهایش این حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را آورده که می فرماید: «أَفْضَلُ عِبَادَةٍ أُمَّتِي بَعْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ الدُّعَاءُ».

«ارزشمندترین عبادت امت من بعد از قرائت قرآن دعا است».

۱- صحیفه کامل سجادیه امام علی بن حسین (زین العابدین) ص ۲۲۴ و ۲۲۵.



سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾.

پس آیا نمی‌بینی برآستی که دعا همان عبادت است؟

کلینی در کتاب (الکافی جلد ۲ صفحه ۴۶۶) از امام باقر (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمودند: الله سبحانه وتعالى تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾. سپس فرمودند منظور از عبادت در اینجا دعاست و بزرگترین عبادت دعاست.

و آنچه در این آیه کریمه قابل توجه است این است که الله سبحانه وتعالى تعالی دعا را عبادت نامیده و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نیز همچنانکه در حدیث (مستدرک الوسائل) آمده به همین معنا اشاره فرموده و امام باقر که در روایت (الکافی) آمده دعا را عبادت نامیده، بلکه در فرموده الله سبحانه وتعالى واضحتر و روشن‌تر این نکته از زبان حضرت ابراهیم بیان شده که به قومش فرمودند: ﴿وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا، فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾.

«از شما و آنچه بغیر از الله می‌پرستید کناره‌گیری و دوری می‌کنم و تنها پروردگارم را می‌پرستم امید است که در پرستش پروردگارم بدبخت و نومید نگردم، هنگامی که از آنان و چیزهایی که بجز الله می‌پرستیدند، کناره‌گیری کرد».

پس الله سبحانه و تعالی از گفته ابراهیم نسبت به قومش خبر داده که به آنها گفت: ﴿وَأَعْتَزُّكُمْ وَمَا تَدْعُونَ﴾.

«از شما و آنچه دعا می‌کنید و از آنها درخواست می‌کنید کناره‌گیری می‌کنم».

و الله سبحانه و تعالی این را به عبادت تعبیر نموده و می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ﴾. «زمانی که از آنان و آنچه عبادت می‌کردند، کناره‌گیری می‌کنم».

روایتهای به اثبات رسیده زیادی وجود دارد مبنی بر این که دعا عبادت است در زیر به بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

کلینی در کتاب الکافی و حر عاملی در (وسائل الشیعه) از ابی عبدالله (علیه السلام) روایت می‌کند که گفتند: «أَنَّ الدَّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ»<sup>۱</sup>.

۱- کتاب الکافی جلد ۲، ص ۳۳۹، (کتاب دعا - قسمت فضل دعا و تشویق برای دعا کردن)، وسائل الشیعه جلد ۷، ص ۲۳، (بخش دعا - قسمت دعا و تشویق برای دعا کردن ص ۷).

«بحقیقت که دعا همان عبادت است».

همچنین از ابی جعفر (علیه السلام) روایت شده که فرمودند:  
**«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ»**<sup>۱</sup>. «یعنی برترین عبادت دعا کردن است».

طوسی در کتابش (تهذیب الاحکام جلد ۲، صفحه ۱۰۴) از ابن عمار روایت می‌کند که گفت: به ابی عبدالله (علیه السلام) گفتم (دو مرد در یک ساعت نمازشان را شروع کردند، یکی از آنها قرآن تلاوت کرد و تلاوتش از دعایش بیشتر بود و دیگری دعا کرد چنان که دعایش از تلاوتش بیشتر بود سپس هر دو در یک وقت فارغ شدند، کدام یک بهتر است؟ گفت: در هر دو برتری و فضیلت است، هر دو نیکویند.

گفتم: من می‌دانستم هر دو نیکند و فضیلت دارند، در جواب گفت: دعا برتر است، آیا فرموده الله سبحانه و تعالی را نشنیده‌ای که می‌فرماید: **﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾**.

«پروردگارتان فرمودند: از من بخواهید و دعا کنید جوابتان می‌دهم براستی کسانی که از عبادت من سرباز می‌زنند بزودی با خواری و ذلت وارد جَهَنَّم می‌شوند».

۱- وسائل الشیعه جلد ۷، صفحه ۳۰ (بخش: پسندیده بودن انتخاب دعا نسبت به غیر آن از عبادات مستحب).

و گفت قسم به الله دعا عبادت است، قسم به الله آن برتر است، قسم به الله آن افضل است، آیا دعا عبادت نیست؟! قسم به الله عبادت است، قسم به الله عبادت است آیا دعا پُر قوَّت‌ترینشان نیست، به الله قسم پُر قوَّت‌ترینشان است، به الله قسم پُر قوَّت‌ترینشان است.

از سدید روایت شده که گفت: به ابی جعفر (علیه السلام) گفتم: کدام عبادت برتر است؟ در جواب گفت: هیچ چیزی نزد الله سبحانه و تعالی باارزش‌تر از این نیست که از آنچه نزد اوست درخواست و طلب شود، و هیچ کسی مورد کینه و نفرت الله سبحانه و تعالی قرار نمیگیرد، بجز کسانی که از عبادت وی سر باز زده و از آنچه که نزد اوست درخواست نمیکنند.

از ابی جعفر (علیه السلام) روایت شده (وقتی که صبح می‌کرد، می‌گفت: صبح کردم در حالی که پروردگارم را ستایش و نیایش می‌کردم، صبح کردم در حالی که هیچ شریکی برای الله قرار ندادم و بغیر از او الله ی دیگری را مورد درخواست و دعا قرار ندادم، و هیچ سرپرست و یاوری بغیر از او برای خود بر نگزیدم).<sup>۱</sup>

۱- الکافی جلد ۲، ص ۳۸۸ (بخش دعا - قسمت : سخن هنگام صبح و عصر.

و همچنین پرسیده شد: (کدام عبادت بهتر است؟ در جواب گفت: هیچ چیزی نزد الله سبحانه و تعالی باارزستر از این نیست که از او درخواست شود)<sup>۱</sup>.

هر چه در این جا آوردیم و به اثبات رسیده بطور قطعی بر این دلالت می‌کنند که دعا عبادت است و دعا کردن و درخواست از غیر الله سبحانه و تعالی بصورت کاملاً آشکار بیان کننده عبادت برای غیر الله سبحانه و تعالی است.

---

۱- همان منبع.

### پیامبران گفته‌اند. تو چه می‌گویی؟

زمانی که ابراهیم طلب دعا از بتها و تقدیم قربانی برای آنها را بر قومش ردّ - کرد و ناپسند دانست؛ ﴿قَالَ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَلَا يَضُرُّكُمْ﴾<sup>۱</sup>.

«آیا بغیر از الله سبحانه و تعالی چیزهایی را می‌پرستید که کمترین سود و زیانی به شما نمی‌رسانند».

بله ... چگونه صدا می‌زنید و طلب یاری می‌جوید از کسی که نمی‌تواند سود و زیانی بخود یا بدیگران برساند!

این را الله سبحانه و تعالی از - زبان پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) بیان کرده که می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعاً وَلَا ضَرّاً إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَا سْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾<sup>۲</sup>.

«بگو من مالک سود و زیانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که الله بخواهد و اگر غیب می‌دانستم منافع فراوانی

۱- سورة انبیاء آیه ۶۶.

۲- سورة اعراف آیه ۱۸۸.

نصیب خود می‌کردم، و هیچ شرّ و بلایی به من نمی‌رسید من کسی نیستم جز بیم دهنده و مژده دهنده برای ایمان داران».

فضل ابن حسن طبرسی در تفسیر آیه مبارکه ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي﴾. «می‌گوید معنای این آیه همان اظهار عبودیت و بندگیست، یعنی من عبد ضعیفی هستم که نمی‌توانم سودی را متوجه خود سازم یا ضرری از خود دفع کنم». ﴿إِلَّا مَا شَاءَ رَبِّي﴾. و پروردگار من می‌تواند نفع را به من برساند یا آن را از من دور کند. ﴿وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ﴾. و اگر غیب را می‌دانستم.

وضعیت من از اینکه هست بهتر می‌بود، در این صورت بر سود و منفعت خود می‌افزودم و از هر چه ضرر و زیان داشت دوری می‌کردم، و نمی‌گذاشتم یکبار در جنگ پیروز شده و بار دیگر شکست بخورم، یکبار در تجارت سود کنم و بار دیگر ضرر. ﴿إِن أَنَا إِلَّا بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ...﴾. «من فقط عبدی هستم که بعنوان مژده دهنده و بیم دهنده فرستاده شده‌ام و غیب دانستن در شأن و منزلت من نیست»<sup>۱</sup>.

شیخ محمد جواد مغنیه در تفسیر الکاشف جلد ۳ صفحه ۴۳۱ می‌گوید: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾.

۱- جوامع الجامع جلد ۱ صفحه ۴۸۸.

«این عقیده همه مسلمانان به پیامبر خود حضرت محمد اشرف و برترین تمام مخلوقات است که مالک هیچ چیزی برای خود نیست چه برسد به اینکه مالک چیزی برای دیگران باشد».

و این باور نسبت به محمد (صلی الله علیه وسلم) نتیجه قطعی و نهایی عقیده توحید و یکتاپرستی است، همچنان که می فرماید:

﴿وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ﴾.

«کلمه غیب که در اینجا آمده فقط معنای غیب نمی دهد بلکه بر این دلالت می کند که غیب فقط مخصوص الله سبحانه و تعالی است علاوه بر این ، نزدیک ترین انسانها به پروردگارشان به همه نسلها اعلام می کنند که پیش روی غیب انسانی وجود دارد که با انسانهای دیگر هیچ تفاوتی ندارد.

سپس به این ابلاغ بسنده نکرده بلکه از روی احساس و وجدان برای آن دلیل آورده آن هم این است که اگر غیب را می دانست عاقبت کارها را می دانست. پس آنچه عاقبتش نیکو بود جلو می انداخت و آنچه عاقبت بدی داشت به عقب می انداخت و آنچه در زندگی برایش ضرری داشت و از آن بدش می آمد به او نمی رسید. و برای اینکه کسی نگوید: در حالی که محمد فرستاده مقرب الله ست چگونه غیب را نمی داند؟ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بدستور الله سبحانه و تعالی می گوید: ﴿إِن أَنَا إِلَّا بَشِيرٌ



وَنَذِيرٌ لِّلْقَوْمِ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾. «من کسی جز مژده دهنده و هشدار دهنده برای ایمان‌داران نیستم».

به حقیقت که او پیامبر الله ست. و در این هیچ شکّی نیست، اما مأموریت پیامبر فقط در این است که پیامهای الله سبحانه و تعالی را به مردم برساند، و گناهکاران را از عذاب ترسانده و فرمانبرداران را به پاداش مژده دهد، اما علم غیب و رساندن نفع و ضرر فقط در دست الله ست.

الله سبحانه و تعالی به پیامبر (صلی الله علیه و سلم) دستور داده که به مردم ابلاغ نماید که من نمی‌توانم به هیچ کس سود و زیانی برسانم، الله سبحانه و تعالی در سوره الجن می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾<sup>۱</sup>. «بگو تنها پروردگارم را می‌پرستم و هیچ کس را شریک او قرار نمی‌دهم و باز بگو من مالک و قادر بر خیر و شر شما نیستم».

شیخ طوسی در کتاب التبیان جلد ۱۰ صفحه ۱۵۷ می‌گوید که: الله سبحانه و تعالی به پیامبرش محمد (صلی الله علیه و سلم) امر کرده که به مکلفین بگوید: ﴿إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾.

به این معنا که من نمی‌توانم ضرری را از شما دفع کنم و یا خیری را به شما برسانم، بلکه تنها کسی که قادر به این کار می‌باشد الله سبحانه و تعالی است و من فقط می‌توانم شما را به خیر و نیکی دعوت کنم و شما را به راه راست راهنمایی کنم. پس اگر پذیرفتید ثواب و پاداش به شما می‌رسد و اگر نپذیرفتید عذاب و عقاب به شما می‌رسد و همچنین الله سبحانه و تعالی می‌فرماید که ای پیامبر به آنها بگو: ﴿قُلْ إِنِّي لَنْ يَجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ﴾. «کسی غیر از الله مرا در پناه خود نمی‌گیرد».

یعنی پیامبر قادر نیست که کسی را از عقابی که الله سبحانه و تعالی برای وی در نظر گرفته است پناه بدهد. ﴿وَلَنْ أَجِدُ مِنْ دُونِهِ مَلْتَحِذًا﴾.

«و غیر از الله سبحانه و تعالی هیچ گریز گاهی نخواهم یافت».

یعنی گریز گاهی بجز الله که بتوان از عذاب و عقاب الله سبحانه و تعالی به آن پناه برد و از آن طلب سلامت کرد، وجود ندارد. و این آیه خطاب به شخص پیامبر می‌باشد ولی منظور آن امت وی می‌باشد. چونکه پیامبر مرتکب عمل زشتی نمی‌شود که از عذاب بترسد. بنابراین غیر از الله سبحانه و تعالی هیچ مَفَرّ و گریز گاهی وجود ندارد.

شیخ طبرسی در کتاب تفسیرش، مجمع البیان، جلد ۱۰ صفحه ۱۵۳ می‌گوید: الله سبحانه و تعالی پیامبرش را مخاطب قرار داده و فرموده که ای پیامبر به مکلفین بگو که: ﴿إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾.

یعنی قادر نیستم که ضرری را از شما دفع کنم و یا خیری را به شما برسانم و فقط الله سبحانه و تعالی قادر به آن است و من فرستاده‌ای بیش نیستم که جز ابلاغ و دعوت به طرف دین و هدایت و ارشاد وظیفه دیگری ندارم. و این اعتراف به بندگی پیامبر است.

### اهل بیت با صراحت تمام از خودشان می‌گویند

این امام جعفر صادق است که با صراحت در پیشگاه مردم و آنها که وی را دیده‌اند و با وی هم‌نشینی کرده‌اند و آنهایی که سخنانش را شنیده‌اند و او را ندیده‌اند، اعلام می‌کند و به آشکارا می‌گوید که: «قسم به الله من بنده‌ای بیش نیستم. و قادر به دفع ضرر و جلب منفعت نیستم، اگر الله سبحانه و تعالی به ما رحم کرد از رحمت و شفقت وی است و اگر ما را دچار عذاب کرد از گناه خودمان می‌باشد، قسم به الله که ما هیچ دلیلی برای الله سبحانه و تعالی نداریم و هیچ رهایی و خلاصی بجز الله سبحانه و تعالی نداریم. و ما نیز قطعاً می‌میریم و داخل قبر می‌رویم و آنگاه برانگیخته می‌شویم و مسئول اعمال خود هستیم.... شما را به شاهد می‌گیرم که من فرزند رسول الله می‌باشم و از الله سبحانه و تعالی بی‌نیاز نیستم. بار الها اگر تو را اطاعت کردم به من رحم کن و اگر دچار گناه شدم مرا شدیداً عذاب کن»<sup>۱</sup>.

و در دعایش می‌گوید: «بار الها بلاهای ما را آشکار نکن و دشمنان ما را نسبت به [احوال بد] ما شاد نکن، که توئی ضرر رساننده و نفع دهنده»<sup>۲</sup>.

۱- بحار الانوار، جلد ۲۵، صفحه ۲۸۹.

۲- قرب الإسناد، ص ۴، حدیث شماره ۱۰

و نوه امام جعفر، یعنی امام رضا، در دعایش می‌گوید: «الله سبحانه و تعالی من از حول و قدرتی که تو داری بی‌بهره‌ام و هیچ حرکت و قدرتی جز به وسیله تو استقرار نمی‌یابد. بارالها من از کسانی که ما را می‌خوانند در حالی که حق ما نیست، بیزارم. بارالها من از کسانی که چیزهایی را که حتی با خود نیز نگفته‌ایم، به زبان ما می‌بندند، بیزارم بارالها تویی خالق و تویی آمر، تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌جویم. بارالها تو خالق ما و خالق اجداد اولین و آخرین ما هستی. بارالها ربوبیت فقط شایسته توست و الوهیت لایق تو می‌باشد. پس بر مسیحیانی که عظمت تو را کم کردند، لعنت بفرست. بارالها ما بندگان تو و فرزندان بنده‌های توئیم، مالک هیچ نفع و ضرر و مرگ و زندگی و برانگیخته شدن برای خود نیستیم. بارالها آنهایی که می‌پندارند ما سرورشان هستیم ما به وسیله تو از آنها بی‌زاری می‌جوئیم و آنهایی که فکر می‌کنند مردم به طرف ما می‌آیند و رزقشان برعهده ماست، [ما مانند برائت حضرت عیسی از مسیحیان] از آنها اعلام برائت می‌کنیم. پروردگارا ما آنها را بدانچه که می‌پندارند سوق نداده‌ایم، پس به آنچه که آنها می‌گویند ما را مؤاخذه نکن و نسبت بدانچه می‌گویند ما را بیامرز»<sup>۱</sup>.

۱- اعتقادات شیخ مفید، ص ۹۹.

پس ملاحظه کن که امام صادق و امام رضا به طور آشکارا شهادت می‌دهند که الله سبحانه و تعالی تنها نافع و تنها ضرر رساننده است. و یک امام از امامان آل بیت همان بنده‌ای است که نمی‌تواند نفعی و ضرری را به خود یا به دیگری برساند. و آنهایی که غیر از این می‌پندارند به ائمه نسبت دروغ داده‌اند و چیزهایی را به آنها نسبت داده‌اند که خود از آن بی‌خبرند.

## توسل چیزی است و کمک خواستن از خلق و دعای آنها چیز دیگر

خیلی از ماها مرتکب خطاهای جسمانی می‌شویم ولی اگر الله سبحانه و تعالی بخواهد در میان نیکیهای ما می‌گردد یا دلیلی برای بر طرف کردن سختی و عذاب می‌یابد.

بیشتر ما عاطفی هستیم و این نیاز به دلیل و برهان ندارد و عاطفه شخص فکر معینی را القا می‌کند که آن را دوست دارد، با آن انس می‌گیرد و بر مخالف آن حمله می‌برد.

بعضی تصور می‌کنند که انتقاد من نسبت به کمک خواستن از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و ائمه آل بیت و یا صحابه گرامی و سایر اولیاء و صالحین، بخاطر بد سرشتی و کم لطفی من نسبت به آن بزرگان است. ولی هیئات که اینگونه باشد در حالیکه ما جان و خون خود را در راه دفاع از آنها و نزدیکی به آنها و دوستی و محبت آنها از دست می‌دهیم ولی من یقین دارم که هر زنده دلی، الله و رسولش (صلی الله علیه وسلم) و آل بیت و صحابه گرامی را دوست دارد. پس بدون شک در خواهد یافت که این حبّ به معنای پرستش نیست و دوست داشتن نبی (صلی الله علیه وسلم) و آل بیت و اصحاب وی به معنای پرستش آنها نیست.

شخص مسلمان حقیقتاً مسیحیانی را که از حضرت عیسی یا مریم با کره طلب کمک می‌کنند، رد می‌کند. و همچنین دعا و گریه و زاری به درگاه آنها را قبول نمی‌کند و به ذهن کسی هم خطور نمی‌کند که این شخص نسبت به حضرت عیسی و مریم مقدس بغض و کینه دارد. و آنچه که در مورد حضرت عیسی و مادرش گفته شد در مورد ائمه آل بیت به طریق اولی جایز نمی‌باشد.

این موضوعی را که یادآوری کردم میان من و دوست مادرم اتفاق افتاد. ولی موضوع در مورد توکل بود. وقتی که داشتم سوار ماشین می‌شدم، او گفت: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ مُحَمَّدٌ» به او گفتم؛ مادرم بگو: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» محمد (صلی الله علیه وسلم) پیامبر ما و حبیب ماست ولی او نیز مخلوق است و جایز نیست که به او توکل کنیم و توکل بایستی فقط بر الله سبحانه و تعالی متعال باشد.

او گفت: ما بر الله توکل می‌کنیم آنگاه بر محمد (صلی الله علیه وسلم) توکل می‌کنیم. با یک لبخند گفتم: آیا درست است که بر الله و بر مسیح توکل کنی یا اول بر الله و سپس بر مسیح توکل کنی؟ گفت: نه، گفتم: پس فرق میان این دو چیست؟ از این جواب من تعجب کرد.



گفتم: آیا مسیح (علیه السلام) نبی نیست؟ گفت: بله، ولی با این حال کلام جایز نیست که در مورد او گفته شود.

به او گفتم: مادر، محمد (صلی الله علیه وسلم) رسول الله است و مسیح (علیه السلام) رسول الله است و سخنان انبیاء الله سبحانه و تعالی در قرآن آمده است. ﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾<sup>۱</sup>.

«رسولان به کافران پاسخ دادند که آری ما هم مانند شما بشری بیش نیستیم لیکن الله هر کس از بندگان را بخواهد به نعمت بزرگ نبوت منت می‌گذارد و ما را نرسد که آیت و معجزه‌ای جز به اذن و دستور الله بیاوریم، مؤمنان باید در هر حال به الله توکل کنند چرا ما بر الله توکل نکنیم؟! در صورتی که الله ما را به راه راست هدایت فرموده و البته به آزار و ستمهای شما صبر خواهیم کرد که از باب توکل که باید همیشه در همه حال بر الله توکل کنند».

۱- سوره ابراهیم، آیات ۱۱-۱۰.

و یعقوب پیامبر الله سبحانه و تعالی به فرزنداناش می گوید:  
 ﴿وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ  
 وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾<sup>۱</sup>.

«و بدانید که از الله چیزی شما را بی نیاز نتواند کرد که هیچ  
 کس فرمانروای عالم جز الله نیست بر او توکل می کنم و باید همه  
 صاحبان مقام توکل هم بر او اعتماد کنند».  
 آیا این آیه به طور واضح و کافی، دلیل بر این نیست که جز  
 بر الله سبحانه و تعالی نمی توان توکل کرد؟  
 تمامی انبیاء (علیهم السلام) حول و قدرت را از خود  
 نمی دانستند و به صراحت اعلام می کردند که مؤمن بایستی فقط  
 بر الله سبحانه و تعالی توکل کنند و نه غیر.  
 بحمدالله این کلمات مثل مرهمی بر قلب آن زن بود و بعد از  
 آن روز هر گاه که می آمد جز از الله سبحانه و تعالی چیزی را  
 نمی خواست و کمک نمی گرفت و تنها بر او توکل می کرد.  
 کسانی که از انبیاء و ائمه و انسانهای صالح کمک و مدد  
 می خواهند، خودشان را در اشتباه انداخته اند بلکه خود را فریب  
 داده اند وقتی که تصور می کنند که دعا خواستن از مخلوق و

۱- سوره یوسف، آیه ۶۷.

کمک جستن از وی مثل توسل به مقام پیامبر یا انسانهای نیکوکار است!

با وجود اینکه ما حدیثی را که در این موضوع صراحت داشت، بیان کردیم. از کسانی که عبارت (ادرکنی یا علی) را تکرار می‌کنند سؤالی داریم، آیا هنگامی که آن عبارت را تکرار می‌کنند در مورد الله سبحانه و تعالی فکر می‌کنند یا اینکه در مورد امام علی فکر می‌کنند و از او می‌خواهند که آنها را درک کند؟ ﴿ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه﴾<sup>۱</sup>.

«الله سبحانه و تعالی در درون یک مرد دو قلب قرار نداده است».

میان صیغه توسل و صیغه‌های دیگر فرق آشکاری وجود دارد، صیغه توسل مثل (بار الها بخاطر مقام حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) از تو می‌خواهم ...) یا (بارالها بخاطر مقام و جلال محمد (صلی الله علیه وسلم) سختی و بلا را از من دور کن) یا (بارالها به حق محمد و آل محمد مرا بیامرزد) و صیغه‌های مشابه آن. ولی صیغه‌های دیگر مثل (ادرکنی یا علی) یا (الغوث یا رسول الله) یا (ای پیامبر سختیهای مرا بزدای) یا (یا کاظم مرا شفا ده) است که تفاوت‌های آشکاری میان این صیغه‌ها وجود دارد.

۱- سوره احزاب، آیه ۴.

در صیغه‌های اوّل خطاب فقط الله سبحانه و تعالی می‌باشد. بنابراین شخص دعاگو از الله سبحانه و تعالی می‌خواهد که : (بارالها فلان چیز را از من دور کن). یا (بارالها از تو فلان چیز را می‌خواهم). و سپس این دعا را به مقام و جاه محمّد (صلی الله علیه و سلم) یا مقام انبیاء و صالحین ملحق می‌کند.<sup>۱</sup>

اما صیغه‌های دوّم، کمک خواستن از مخلوق در کارهایی است که جز پروردگار انسانها کسی قادر به انجام آن نیست. و این همان صیغه‌هایی است که ما را دچار شک می‌کنند با وجود اینکه با قرآن و سنّت و روایات ائمه آل بیت موافقت ندارد.

---

۱- توسّل به ذات مثل (اللهم انی اتوسل الیک بمحمّد) یا توسّل به جاه مانند (اللهم انی اتوسل الیک بجاه محمد) میان علمای جدید و قدیم در این مورد اختلاف است و نهایتاً گفته‌اند که بدعت است و نگفته‌اند که شرک می‌باشد و اصل در عبادات توقیفی بودن آنهاست یعنی شخص مسلمان با وجود نص نمی‌تواند چیزی بگوید. و نمی‌تواند جز به دلیل قرآن و سنّت صحیح از چیز دیگری پیروی کند.

واسطه ای میان بنده و خالقش وجود ندارد

با دقت در کتاب الله سبحانه و تعالی، آیات زیادی را مشاهده می‌کنیم که در آن مردم سوالهایی را مطرح کرده‌اند و الله سبحانه و تعالی به آنها پاسخ داده است.

وقتی که مردم از هلال و بدر ماه سوال می‌کنند الله سبحانه و تعالی پاسخ می‌دهد: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَاتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup>.

«ای پیامبر از تو سؤال می‌کنند که سبب بدر و هلال ماه چیست؟ جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات حج و معاملات مردم است و نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه در آید چه این کار ناشایسته است، نیکوئی آن است که پارسا باشید و به هر کار از راه آن داخل شوید و تقوی پیشه کنید باشد که رستگار شوید».

و هنگامی که از انفاق سؤال می‌کنند الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۹.

وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ<sup>۱</sup>. «ای پیامبر از تو سؤال می‌کنند در راه الله چه انفاق کنیم؟ بگو هر چه از مال خود انفاق کنید درباره پدر و مادر و خویشان و فقیران و راهگذران رواست و هر نیکویی کنید الله بر آن آگاه است».

و آنگاه که از جنگ کردن در ماههای حرام می‌پرسند الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ، قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدَّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ<sup>۲</sup>».

«ای پیامبر مردم از تو راجع به جنگ در ماه حرام سؤال کنند، بگو گناهی است بزرگ، ولی باز داشتن خلق از راه الله و کفر به الله و پایمال کردن حرمت حرم الله و بیرون کردن اهل حرم، بسیار گناه بزرگتری است و فتنه‌گری فساد انگیزتر از قتل است و

۱- سوره بقره آیه ۲۱۵.

۲- سوره بقره آیه ۲۱۷.

کافران پیوسته با شما مسلمین جنگ کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند و هر کس از شما از دین خود بر گردد و بحال کفر باشد تا بمیرد چنین اشخاصی اعمالشان در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردیده و آنان اهل جهنمند و در آن همیشه معذب خواهند بود».

و هنگامی که از شراب و قمار می پرسند، الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>۱</sup>.

«ای پیامبر از تو از حکم شراب و قمار می پرسند، بگو در این دو کار، گناه بزرگی است و سودهائی، ولی زیان گناه آن دو بیش از منفعت آن است و نیز سوال کنند تو را که چه در راه الله انفاق کنند! جواب ده آنچه زائد بر ضروری زندگانی است، الله بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان کند باشد که تفکر و عقل به کار بندید».

و هنگامی که از قیامت می پرسند الله سبحانه و تعالی جواب می دهد: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي

لَا يُجَلِّئُهَا لَوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا  
بَغْتَةً يَسْأَلُونَك كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ  
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۱</sup>.

«ای رسول ما از تو احوال و ساعت قیامت را سؤال خواهند کرد که چه وقت فرا خواهد رسید، پاسخ ده که علم آن نزد ربّ من است و کسی بجز او آن ساعت را نداند و در آسمانها و زمین بس سنگین و عظیم است که به صورت ناگهانی می آید. از تو می پرسند گوئی تو کاملاً بدان آگاهی، بگو علم آن ساعت محققاً نزد الله ست لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگاه نیستند».

اما هنگامی که در مورد الله سبحانه و تعالی از پیامبر پرسیدند که چگونه او را بخوانند و راه رسیدن به وی کدام است جواب آمد و کلمه (قل) در آن نبود و این آیه بیان می کند که واسطه ای میان عبد و پروردگارش نیست و الله سبحانه و تعالی به بندگانش نزدیک است و آنگاه که وی را بخوانند، اجابت امر می کند.

الله سبحانه و تعالی صاحب جلال و عظمت می فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ<sup>۲</sup>﴾.

۱- سوره اعراف آیه ۱۸۷.

۲- سوره بقره، آیه ۱۸۶.



«و چون بندگان من از دوری و نزدیکی من از تو پرسند، بدانند که من به آنها نزدیک خواهم بود هر که مرا خواند دعای او اجابت کنم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من بگردند تا به سعادت راه یابند».

سید محمد حسین فضل الله تعلیق زیبایی بر این آیه دارد که می گوید: «واسطه ای میان عبد و پروردگارش در سؤال و خطاب وجود ندارد. و گاهی توجه انسان را به وحدانیت در عبادت و کمک خواستن از الله ملاحظه می کنیم. مثلاً در خطاب عبد نسبت به پروردگارش که می گوید: «تنها تو را می پرستم و تنها از تو یاری می جویم».

همانا انسانها در گفتگو و مناجات با الله و طلب و درخواست از وی نیاز به هیچ واسطه بشری و غیر بشری ندارند. چون الله سبحانه و تعالی از بنده اش دور نیست و هیچ فاصله ای میان عبد با الله نیست جز فواصلی که بنده خودش قرار داده تا خود را از رحمت الله دور کند. و دعایش را حبس کرده و نمی گذارد که به نزدیک پروردگار بالا برود. بلکه الله سبحانه و تعالی از بندگان خواسته که او را مستقیماً بخوانند تا آنها را اجابت کند. و از نزدیک بودن خودش به بندگان آنها را با خبر ساخته، به گونه ای که کلام بندگان را حتی اگر پیچ پیچ و وسوسه های درونی باشد، می شنود. و به همین علت است که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾.

و همچنین الله تعالى می فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تَوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ نَقْرُبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾<sup>۱</sup>.

«ما انسان را خلق کرده ایم و از وسوس و اندیشه های نفس او با خبریم که از رگ گردن او به او نزدیکتریم».

۱- تفسیر من وحی القرآن؛ ج ۲۵، ص ۶۶-۶۵.

ای کسانی که ایمان آورده اید مثل کسانی نباشید که کفر می‌ورزند قرآن کریم اختبار امت‌های گذشته را برای ما بیان می‌کند نه جهت آرامش و آسایش بلکه جهت عبرت گرفتن و موعظه کردن و باز داشتن از آن کارهایی که گمراهان انجام داده‌اند و گر نه ما هم دچار همان عاقبتی می‌شویم که آنها شدند. الله سبحانه و تعالی حقیقتاً خبر مشرکان را برای مؤمنین بیان کرده، مشرکانی که الله سبحانه و تعالی پیامبرش را به میان آنها فرستاد تا دیدگان آنها را روشنایی بخشید و آنها را از شرک به ایمان برساند.

و الله سبحانه و تعالی بیان کرده که همان مشرکان معتقد بودند که الله سبحانه و تعالی خالق آسمانها و زمین است و او مردگان را زنده می‌کند و تدبیر امور در دست اوست. الله سبحانه و تعالی از زبان یکی از آنها می‌گوید: ﴿وَلَّيْن سَأَلْتَهُم مِّنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولَنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ﴾.<sup>۱</sup> «و اگر از این کافران بپرسی که آسمانها و زمین را چه کسی آفریده، البته جواب دهند که الله ی مقتدر دانا آفریده است».

و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ لِّمَنَ الْاَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَوَاتِ

السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ قُلْ مَنْ يَبْدَهُ  
 مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ سَيَقُولُونَ  
 لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿۱﴾. «ای پیامبر ما! تو بگو که زمین و هر  
 کس که در او موجود است از آن کیست؟ اگر شما فهم و دانش  
 دارید؟ البته جواب خواهند داد از الله است. پس بگو چرا متذکر  
 قدرت الله نمی‌شوید؟ [تا به عالم آخرت ایمان آرید]. باز به آنها  
 بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و الله سبحانه و تعالی عرش  
 بزرگ کیست؟ البته باز جواب دهند آفریننده آن الله است. پس  
 بگو چرا متقی و الله ترس نمی‌شوید. باز ای رسول بگو آن کیست  
 که ملکوت و ملک همه عالم به دست اوست و او به همه پناه  
 دهد و از همه حمایت کند و از او کس حمایت نتوان کرد. اگر  
 می‌دانید کیست باز گوئید؟ محققاً آنها خواهند گفت که آن الله  
 است. پس بگو چرا به فریب و فسون مفتون شدید؟».

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ  
 اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ  
 وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ<sup>۱</sup>. «اگر از کافران سؤال کنی که آسمانها و زمین را که آفریده و خورشید و ماه مسخر فرمان کیست؟ به یقین جواب دهند که الله آفریده پس چرا با این اقرار به افتراء و دروغ می شتابند. الله ست که هر کس از بندگان را خواهد وسیع روزی یا تنگ روزی می گرداند که همانا او به صلاح حال کلیه خلائق آگاهست. و اگر سوال کنی آن کیست که از آسمان باران نازل سازد تا زمین را به آن پس از فصل خزان و مرگ گیاهان باز زنده گرداند؟ به یقین جواب دهند که آن الله است پس بگو ستایش تنها مخصوص الله است. آری این حقیقت را عقل اکثر این مرم در نخواهد یافت».

و همچنین می فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ<sup>۲</sup>﴾.

«مشرکان را بگو که کیست از آسمان و زمین بر شما روزی می دهد و کیست که فرمان او عالم آفرینش را منظم می دارد تا همه مشرکان معترف شده و گویند قادر بر این امور تنها الله است پس به آنها بگو چرا خداترس نمی شوید».

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۳-۶۱.

۲- سوره یونس، آیه ۳۱.

پس بنابراین مشکل کجاست؟!

این مشرکان حقیقتاً اقرار می‌کردند که الله سبحانه و تعالی، خالق و رازق و احیاء کننده و میراننده می‌باشد ولی با وجود این بعضی از عبادات را صرف غیر الله می‌کردند همچنانکه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ شَيْئاً وَلَا يَضُرُّهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>.

«و آنها چیزهایی را عبادت می‌کردند که غیر الله بود و نفع و ضرری برای آنها نداشت و می‌گفتند اینها شفیعان ما نزد الله سبحانه و تعالی هستند».

مشرکان می‌گفتند که الله سبحانه و تعالی، عظیم است و ما گناهکار و ناچاراً باید واسطه‌هایی میان ما و الله سبحانه و تعالی وجود داشته باشد پس واسطه‌هایی میان خود و الله ی خود می‌گرفتند و دعا و کمک و قربانی و نذورات خود را نثار این واسطه‌ها می‌کردند.

اگر جایز باشد که این سؤال را از آنها پرسید که آیا باور دارید که این بتها اله و الله بر حق شما هستند یا اینکه آنها واسطه‌هایی میان شما و الله یتان می‌باشند که الهه مملوک الله سبحانه و تعالی

۱- سوره یونس، آیه ۱۸.

می‌باشند؟ آنها جواب می‌دهند که بله اینها مملوک پروردگار می‌باشند و برای اینکه ما دعاها و مددجویی‌ها و قربانیها و نذورات خود را صرف آنها می‌کنیم تا ما را به الله سبحانه و تعالی نزدیک کنند.

الله سبحانه و تعالی گفته مشرکان را اینگونه بازگویی می‌کند:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾<sup>۱</sup>. «ای بندگان آگاه باشید که دین خالص برای الله است و اما آنان که غیر الله را به دوستی و پرستش برگرفتند و گفتند ما آن بتان را نمی‌پرستیم مگر برای اینکه ما را به درگاه الله نیک مقرب گردانند».

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه جلد یک صفحه ۱۱۹ در مورد مشرکان مکه نقل می‌کند که: (مشرکان در عبادت بتها مختلف بودند، بعضی از آنها بتها را شریک خلقت الله سبحانه و تعالی می‌دانستند و به آن عنوان لفظ شریک می‌دادند و از جمله سخنانشان در تلبیه اینگونه بود: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكًا هُوَ لَكَ، تَمْلِكُهُ وَمَا لَكَ) و بعضی از بتها عنوان شریک بر آنها اطلاق نمی‌شد. بلکه بتها را وسیله و ابزاری

برای رسیدن به الله قرار می‌دادند و اینها همان کسانی بودند که می‌گفتند: ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾.

الله سبحانه و تعالی در کتاب کریمش تناقضی را که مشرکان با آن زیسته‌اند بیان می‌کند آن هنگامی که مشرکان دچار سختی و ملامتی می‌شدند به فطرت اوئی‌های که بر آن خلق شده بودند باز می‌گشتند و دعا و نیایش و طلب را فقط خاص وی می‌گردانیدند ولی هنگامی که سختی و مشکل آنها بر طرف می‌شد به شرک خود باز می‌گشتند و برای الله سبحانه و تعالی شرکایی را قرار می‌دادند در حالی که می‌دانستند که نافع و ضرر رساننده واقعی الله سبحانه و تعالی می‌باشد.

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانُ ضُرًّا دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ﴾. «هنگامی که ضرری به انسان می‌رسد در آن حال به دعا و توبه به درگاه الله رود».

این همان دعای فطرت می‌باشد، سپس می‌گوید: ﴿ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَهُ مِنْهُ نِيسَى مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ اللَّهُ آندَادًا﴾.

«و چون نعمت و ثروت به او عطا کند خدائی را که از این پیش می‌خواند بکلی فراموش سازد و برای الله یکتا شریک و هم‌تا قرار دهد».



﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَاهُ﴾<sup>۱</sup>.

«و چون در دریا به شما خوف و خطری رسد در آن حال بجز الله همه را فراموش می کنید».

این همان دعای فطرت می باشد سپس می گوید: ﴿فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ اَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا﴾<sup>۲</sup>.

«آنگاه که الله شما را از خطر نجات داد و به ساحل سلامت رسانید باز از الله روی می گردانید و انسان بسیار کفر کیش و ناسپاس است».

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، بَلْ إِلَاهُهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ﴾<sup>۳</sup>.

«بگو ای پیغمبر که اگر عذاب الله یا ساعت مرگ شما را فرا رسد چه خواهید کرد آیا در آن ساعت سخت غیر الله را می خوانید اگر راست می گوئید؟ بلکه در آن هنگام تنها الله را می خوانید تا اگر مشیت او قرار گرفت شما را از سختی برهاند و آنچه را که با الله شریک قرار می دادید به کلی فراموش می کنید».

۱- سوره اسراء ایه ۶۷.

۲- اسراء، ۶۷.

۳- انعام، ۴۰ و ۴۱.

﴿وَضُنُّوا أَيْتَهُمْ أَحْيَطَ بِهِمْ دَعْوَا اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾<sup>۱</sup>.

«و خود را در ورطه هلاکت ببینید آن زمان الله را به اخلاص و دین فطرت بخوانید که بار الها اگر ما را از این خطر نجات بخشی دیگر همیشه شکر و سپاس تو خواهیم کرد».

﴿فَإِذَا رَكَّבוْا فِى الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾<sup>۲</sup>.

«این مردم مشرک و نادان چون به کشتی نشینند در آن حال تنها الله را به اخلاص کامل می خوانند و چون از خطر دریا به ساحل نجات رسیدند از جهل و غفلت باز به الله مشرک می شوند».

﴿وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلُلِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ﴾<sup>۳</sup>.

«و هر گاه موجی مانند کوهها آنها را فرا گیرد. در آن حال الله را با عقیده پاک و اخلاص کامل می خوانند و چون باز به ساحل نجاتشان رسانید بعضی بر قصد باقی مانند».

۱- یونس، ۲۲.

۲- عنکبوت، ۶۵.

۳- سوره لقمان، ۳۲.

﴿قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً  
لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾.<sup>۱</sup>

«بگو ای پیامبر آن کیست که شما را از تاریکیهای بیابان و دریا نجات می‌دهد گاهی که او را به تضرع و زاری از باطن قلب می‌خوانید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد پیوسته شکر گزار او باشیم».

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَائِمًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّكَ أَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ﴾.<sup>۲</sup>

«و هر گاه آدمی به رنج و زبانی در افتد همان لحظه به هر حالت باشد از نشسته و خفته و ایستاده فوراً ما را به دعا می‌خواند و آن گاه که رنج و زیانش بر طرف شود باز به حالت غفلت و غرور چنان باز می‌گردد که گوئی هیچ ما را برای دفع ضرر و رنج خود نخوانده».

﴿وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ﴾.<sup>۳</sup>

۱- انعام، ۶۳.

۲- یونس، ۱۲.

۳- سوره روم، آیه ۳۳.

«و مردم هر گاه رنج و المی سخت به آنها برسد در آن حال الله را به دعا می خوانند و به درگاه او با تضرع و اخلاص روی می کنند و پس از آنکه الله تعالی رحمت خود را به آنها چشاند آنگاه باز گروهی از آنها به خالق خود مشرک می شوند».

معنای «لا اله الا الله» این نیست که خالق غیر از الله سبحانه و تعالی وجود ندارد بنابراین حتی آنهایی که با اسلام می جنگند معتقد به لا خالق الا الله هستند.

لا اله الا الله دارای ابعادی است که انسان جز در سایه انبیاء به آن نمی رسد و این انسان در تحریف و بد شکل کردن آن جدیت به خرج داده تا جایی که آن را با تصورات مادی محدود کرده و واسطه هایی را میان خالق و عبد ایجاد کرده است.

و داستان قوم نوح جز یک نماد بارز از چگونگی تحول و تغییر گروهی از اولیاء مثل (وڈ) و (یغوٹ) و (یعوق) و (نسر) به اله های مورد پرستش چیز دیگری نیست و این تغییر و تحول در اثر سپری شدن نسلها ایجاد شده است.

ابن بابویه قمی در کتاب خود، علل الشرائع، جلد یک صفحه سوم از حریر ابن عبدالله سجستانی و جعفر بن محمد در مورد این آیه: ﴿وَقَالُوا لَا تَذَرُنْ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنْ وَدًّا وَلَا سِوَاكَ وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا﴾ نقل می کند و می گوید: اینها انسانهایی

بودند که الله سبحانه و تعالی را می‌پرستیدند و آنگاه که مردند قوم آنها ناراحت شدند و فوت آنها بسیار برایشان سخت آمد و در این هنگام ابلیس (لعنه الله) نزد آنها آمد و گفت: بتهایی را به شکل این اشخاص بسازید تا بدانها بنگرید و بدان آرامش بیابید و الله تعالی را عبادت کنید. پس بتهایی را در شکل این افراد برای آنها آماده کرد و اینان بدان نگریسته و الله را عبادت می‌کردند. وقتی که زمستان و باران شروع شد بتها را داخل خانه‌ها برده و همچنان الله را می‌پرستیدند تا زمانی که یک قرن سپری شد و فرزندان اینها گفتند که پدران ما این بتها را می‌پرستیدند پس آنها نیز این کار را کردند و برای این است که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: «آن قوم گفتند که الله یانشان از جمله و دّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید»<sup>۱</sup>.

عبارت «لا اله الا الله» آسانترین چیزی است که بر زبان جاری شود ولی دلالت آن بر آنچه که امروزه تصور می‌شود بیشتر است. به همین خاطر الله سبحانه و تعالی فرموده: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرِ لِذَنْبِكَ﴾. و نفرموده: «فقل لا اله الا الله» چون منظور همان اقراری است که ما بیان کردیم یعنی شهادت ظاهری و باطنی بر اینکه الله یکی است و کسی جز او نیست.

۱- علل الشرائع، ابن بابویه قمی، ج ۱، ص ۳.

پس معنای «لا اله الا الله» این است که هیچ معبود برحقى که شایسته پرستش باشد در هستی غیر از الله وجود ندارد و هیچ رازقى غیر از الله نیست و هیچ مدبرى غیر او نیست. جز از الله سبحانه و تعالى نمى ترسیم و جز بر او توکل نمى کنیم و جز از او نمى خواهیم و جز از او ترس نداریم. جز به او پناه نمى بریم و جز از او تضرع نمى کنیم. و دستانمان را جهت دعا کردن جز برای او بلند نمى کنیم و نه برای انبیاء و اولیای وی.

حقیقتاً الله تعالى پیامبرانى را فرستاده که از آنها اطاعت کنیم نه اینکه از آنها مدد و کمک بخواهیم! ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>.

«هیچ پیامبرى را نفرستادیم مگر اینکه به اذن الله سبحانه و تعالى اطاعت شوند».

الله سبحانه و تعالى پیامبران را فرستاده که از او خبر بدهند نه اینکه مردم را پیش وی ببرند. پس اینان رسولان الله برای ما هستند نه رسولان ما برای الله. یعنى آنچه که الله سبحانه و تعالى خواسته برای ما بیان مى کنند و به ما می رسانند.

### شکلهای پرستش مثل همنند. ولی مسمی (مورد پرستش) فرق می‌کند

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾<sup>۱</sup>.

«غیر الله هر کس که شما آن را به خدایی می‌خوانید به حقیقت همه مثل شما هستند اگر در دعوی خود راستگوئید از آنها بخواهید تا مشکلات و حوائج شما را روا کنند».

در این آیه بیان شده که مشرکان قدیم (عرب و عجم) همگی تنها بتها را به عنوان واسطه نمی‌گرفتند، بلکه عده‌ای از آنها از واسطه‌های بشری استفاده می‌کردند مثل مسیحیانی که مریم را به عنوان واسطه میان خود و الله برگزیدند. از او دعا می‌خواستند و از او مددجویی و طلب کمک می‌کردند. در حالی که آنها در درون خود می‌دانستند و با زبان خود به آن اقرار می‌کردند و در کتابهایشان بیان می‌کردند که مریم (علیها السلام) به صورت خدایی نیست که پرستیده شود.

صورت‌های عبادت مثل هم هستند، ولی مسمی و شخصیهایی که پرستیده می‌شوند فرق می‌کنند. منظورم از این سخن این است که بعضی از آنهایی که واسطه‌هایی را میان خود و الله می‌گیرند و بر

آنها توکل می‌کنند و از آنها مدد می‌جویند و برای آنها نذر و قربانی می‌کنند هنگامی که با آیات و احادیثی که در دینشان وجود دارد مواجه شوند، چه بسا که یکی از آنها با این سخن کلامت را نقض می‌کند و می‌گوید. آیا نبی و امام و اولیاء را با بتها مقایسه می‌کنی؟

برای شخص مسلمان ممکن نیست که نبی یا امامی از ائمه مسلمانان و یا انسان صالحی را به بتها شبیه کند. چونکه می‌داند که این بزرگان راضی نیستند چه برای خودشان و چه برای دیگران که غیر الله را بپرستند. همچنانکه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ لِيَشْرَ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِينَ بِنَاكُمْ تَعْمَلُونَ الْكِتَابَ وَبِنَاكُمْ تَدْرُسُونَ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾<sup>۱</sup>.

«هیچ بشری که الله وی را به رسالت برگزیند و به او کتاب و حکمت و نبوت بخشد او را نرسد که به مردم گوید مرا بجای الله پرستید بلکه پیغمبران برحسب وظیفه خود به مردم گویند خداشناس و خداپرست باشید چنانچه از کتاب به دیگران این حقیقت را می‌آموزید و خود نیز می‌خوانید. و هرگز الله به شما



امر نکند که فرشتگان و پیامبران را خدایان خود گیرید. چگونه ممکن است شما را به کفر خواند پس از آنکه به الله تعالی اسلام آورده باشید».

ولی تشابه از جهت کاری که داعی انجام می‌دهد، حاصل می‌شود، اهل مکه بتها را می‌خواندند و نذر قربانی خود را تقدیم آنها می‌کردند. تا آنها با نقشی که دارند بت‌پرستان را به الله نزدیک کنند و این کسانی که به انبیاء و امامان و صالحین روی می‌آورند و از آنها دعا و کمک می‌خواهند و نذر خود را تقدیم آنها می‌کنند همان کار را انجام می‌دهند تا به الله سبحانه و تعالی نزدیک شوند!

تفاوت حقیقی میان کسی که از مریم طلب کمک می‌کند و می‌گوید: یا مریم مقدس حاجت مرا بر آورده کن با کسی که از فاطمه کمک می‌خواهد و می‌گوید: یا زهرا حاجتم را برآورده کن، چیست؟ ﴿تشابهت قلوبهم قد بینا الآيات لقوم یوقنون﴾<sup>۱</sup>.

«دل‌هایشان در بی فهمی مثل هم است ما ادله رسالت را برای اهل یقین به خوبی روشن گردانیدیم».

## اهل بیت به دوستان خود توسل مشروع را آموخته‌اند

الله سبحانه وتعالی مؤمنین را تشویق کرده که به وسیله عبادات تقوای الله را پیشه کرده و به او نزدیکی بجویند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.<sup>۱</sup> «ای اهل ایمان از الله بترسید و به الله توسل جوید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید».

شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌گوید: (الله سبحانه وتعالی در این آیه مؤمنان را مخاطب قرار داده و به آنها امر کرده که از وی بترسند یعنی از گناهان پرهیز کنند و به الله توسل جوید، یعنی از او طلب وسیله کنید که همان قربت می‌باشد).<sup>۲</sup> و در تفسیر بشر آمده که (یعنی برای رسیدن به ثواب الله، طاعت وی را وسیله قرار دهید).<sup>۳</sup>

و در تفسیر جوهر الثمین آمده که: (وسیله آن عبادتی است که برای رسیدن به ثواب الله و بهشت و رضایت وی انجام می‌دهند).<sup>۴</sup>

۱- مائده، ۳۵.

۲- التبیان، ج ۱، ص ۵۰۹.

۳- تفسیر بشر ج ۱، ص ۱۱۲.

۴- تفسیر الجواهر الثمین ج ۲، ص ۱۷۰.

فخرالدین طریحی در تفسیر غریب القرآن صفحه ۴۸۴ می‌گوید: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾. «یعنی قربت الله سبحانه و تعالی و وسیله به معنای قربت می‌باشد».

و آل بیت (رضوان الله علیهم اجمعین) محققاً بیان کرده‌اند که توسل، اعمال صالح انسان است نه واسطه قرار دادن میان خود و الله. امام علی ابن ابی طالب (رضی الله عنه) در نهج البلاغه در مورد آداب توسل برای ما می‌گوید: (برترین وسیله تقرب به سوی الله سبحانه و تعالی: تصدیق و اعتراف به یگانگی الله سبحانه و تعالی و رسالت فرستاده او است و جهاد و جنگیدن در راه حق تعالی است که سبب بلندی اسلام است کلمه إخلاص که فطری و جبلی است و بر پا داشتن نماز که نشان ملیت دین اسلام است و زکات که پرداخت آن واجب می‌باشد و روزه ماه رمضان که سپری است در مقابل عذاب و حج نمودن خانه الله و بجا آوردن عمره که فقر و پریشانی را می‌زداید و گناه را می‌شوید. و صله رحم که سبب افزایش مال و طول عمر است و صدقه دادن، که صدقه پنهانی گناه را می‌پوشاند و صدقه آشکار مردن بد را دفع می‌کند و بجا آوردن کارهای پسندیده که شخص را از مبتلا شدن خواری و ذلت حفظ می‌کند).<sup>۱</sup>

۱- نهج البلاغه، ص ۱۶۳، شماره ۱۱۰.

و امام سجّاد که پاکترین و نابترین تعبیرها را در مورد توسّل و مددجویی در دعاهايش دارد، در دعایی که ابو حمزه ثمالی از او روایت می‌کند می‌گوید: (سپاس الله تعالی را که هر وقت بخوانیدش اجابت می‌کند. و رازهایم را بدون شفیع با او در میان می‌گذارم، پس بارالها حاجتم را بر آورده کن و سپاس الله تعالی را که غیر او کسی را نمی‌خوانم و اگر غیر از او کسی را بخوانم، اجابت نمی‌کند).<sup>۱</sup>

و در مناجات آنهایی که الله را اطاعت می‌کنند می‌گوید: (وسیله‌ای جز تو برای رسیدن به تو نداریم).<sup>۲</sup>

و همچنین می‌گوید: (تو تنها مدعو من در مشکلات و تنها پناهگاه من در سختیها هستی).<sup>۳</sup>

و همچنین می‌گوید: (در درخواستهایم کسی را شریک تو نمی‌کنم و در دعاهايم کسی را همراه تو نمی‌کنم و تنها ندای من تو هستی).<sup>۴</sup>

---

۱- صحیفه سجّادیه، ص ۲۱۴.

۲- همان، منبع، ص ۴۱۱.

۳- همان، منبع، ص ۶۷.

۴- همان، منبع، ص ۱۴۴.

امام جعفر صادق می‌فرماید: (از کسانی که اندوهگین می‌شوند تعجب می‌کنم که چگونه از این فرموده الله سبحانه و تعالی نمی‌ترسند که می‌گوید: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾.

«من از الله سبحانه و تعالی شنیده‌ام که فرمود: ﴿فَنَجِّينَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾»<sup>۱</sup>.

«پس ما او را از غصه رهانیدیم و اینچنین مؤمنان را نجات می‌دهیم».

و تعجب می‌کنم از اینکه کسانی نیرنگ باز هستند که چگونه از این فرموده الله سبحانه و تعالی نمی‌ترسند: ﴿وَأَفْوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾»<sup>۲</sup>.

«من از الله سبحانه و تعالی شنیده‌ام که فرمود: ﴿فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكُرُوا﴾»<sup>۳</sup>.

و از دعاهای امام جعفر است که می‌گوید: (ای کسی که آسمانها و زمین تو را نمی‌پوشانند و هیچ سینه‌ای تو را از قلبها مخفی نمی‌کند و هیچ پناهگاهی تو را مخفی نمی‌کند و هیچ کوهی تو را در نهاد خود و هیچ دریایی تو را در عمق خود پنهان

۱- سوره انبیاء، آیه ۸۴-۸۳

۲- سوره غافر، ۴۴.

۳- الخصال، ص ۲۱۸.

نمی‌کند. کسی که صداها بر تو مشتبّه نیست و کثرت نیازها بر تو زیاد نیست و اصرار اصرارکنندگان تو را آزرده نمی‌کند)<sup>۱</sup>.

و امثال این قبیل کارها فقط شایسته الله سبحانه و تعالی می‌باشد. اگر تمامی مخلوقات همگی پروردگارشان را بخوانند و از او مدد بجویند، صدای آنها بر پروردگار بندگان مشتبّه و قاطی نمی‌شود. و فراوانی نیازها و اصرار اصرارکنندگان بر وی سنگینی نمی‌کند. پس آیا آنهایی که ائمه را می‌خوانند و از آنها مدد می‌جویند این ویژگیها را دارند؟

آیا امام علی و امام رضا در طول حیاتشان صدای میلیونها انسان (در هند و پاکستان و عراق و بحرین و لبنان و ایران و کویت و غیره) را می‌شنوند یا حتّی بعد از مرگشان قادر به شنیدن آن هستند؟

---

۱- قرب الاسناد از ابی عباس حمیری، ص ۶ حدیث ۱۸.

## اهل بیت (رضوان الله علیهم) از الله سبحانه و تعالی مدد می‌جستند تو از چه کسی مدد می‌جویی؟

ابن بابویه قمی (ملقب به صدوق) در کتاب خود، توحید، صفحه ۱۹۴ و کتاب الخصال ص ۵۹۳ از سلیمان بن مهران از امام صادق از پدرش محمد باقر از پدرش علی بن حسین از پدرش حسین بن علی از پدرش علی ابن طالب روایت می‌کند که حضرت محمد (ص) فرمود: همانا الله سبحانه و تعالی ۹۹ اسم دارد که هر کس آنها را بر شمارد داخل بهشت می‌شود سپس اسامی زیادی را از جمله (الغیاث) ذکر کرد.

شیخ ابن فهد حلی در کتاب خود (عده الداعی) صفحه ۳۰۷ در تفسیر اسم (الغیاث) در مورد الله سبحانه و تعالی می‌گوید: (الغیاث به معنای المغیث است به خاطر این به صورت مصدر آمده تا نشانگر کثرت فریاد رسی وی باشد که فریاد رس مظلومین است و دعای درماندگان را برآورده می‌کند).

جای بسی تعجب است کسی که محتاج است و نیازمند، ربّ را چگونه می‌خواند در حالی که ربّ و خالق خود را به فراموشی سپرده است؟

هر مسلمانی می‌داند که شخص امام نیازمند خالق و متواضع وی و محتاج او می‌باشد. و هنگام نیاز از او کمک می‌جوید و

شب و روز وی را می‌خواند پس چطور بنده با دعا و مناجات روی به سوی امام آورده و آن خالق بخشنده شنوای هر شکایتی را رها می‌کند؟!

امام صادق مثال زیبایی را برای مسلمانان آورده که برای تأکید مثالش این جمله را آورده که «لا یستغاث إلا بالله تعالی» و همانا که مخلوقات ضعیف و متواضع این ربّ عظیم هستند که این انسان قادر نیست نفع و ضرری را به خود برساند ابن بابویه قمی در کتاب (التوحید) صفحه ۲۳۰ از حسن عسکری در مورد «بسم الله الرحمن الرحیم» روایت می‌کند که: الله همان کسی است که هنگام نیازمندیها و سختیها و هنگامی که از همه جا قطع امید کرده، پرستیده می‌شود و هنگامی که هیچ وسیله‌ای جز او نمانده، گفته می‌شود (بسم الله) یعنی همه کارهایم را با یاری الله سبحانه و تعالی انجام می‌دهم که عبادت جز شایسته وی شایسته دیگری نیست، فریادرسی که هر گاه خوانده شود به فریاد می‌رسد و اجابت کننده‌ای که هر گاه وی را بخوانند، اجابت می‌کند. شخصی از امام صادق پرسید ای فرزند رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، به من بگو الله کیست؟ امام صادق پاسخ داد که آیا تا بحال کشتی سوار شده‌ای؟ گفت: آری، امام گفت: آیا کشتی تو دچار شکستگی شده به گونه‌ای که کشتی دیگری نباشد که تو را نجات دهد، یا شناگری که تو را از آب در بیاورد؟ گفت: بله امام



گفت در آن موقع دلت به کسی خوش بود که تو را از آن ورطه نجات بدهد؟ گفت: آری - گفت آن کس همان قادر متعال می باشد که در صورت نبودن منجی تو را نجات می دهد و قادر به یآوری توست آنگاه که یآوری نباشد).

و در روایت دیگری آمده: (خدایی که هنگام نیاز و مشکلات، هر مخلوقی از تمام غیر او قطع امید می کند و وسیله های غیر او همه بریده می شوند و به این ترتیب تمامی رؤسای دنیا و بزرگواران آن هر چند که بی نیاز باشند و نیازی غیر از الله نداشته باشند نیازهایی پیدا می کنند که جز الله سبحانه و تعالی قادر به آن نیست. پس از غیر الله می برند و به سوی او می آیند تا مشکلشان برطرف شود و آنگاه به شرک خود باز می گردند. اما الله سبحانه و تعالی می شنود و می گوید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلْ إِلَهُهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ﴾.

پس الله سبحانه و تعالی به بندگانش می فرماید: ای نیازمندان به رحمت من، همانا من در هر حالی نیاز را بر شما لازم می گردانم و ذلت بندگی را در هر وقتی بر شما لازم می کنم. در هر کاری که مشکل پیدا می کنید مرا فریاد می کنید و عنایت و نهایت آن کار را می خواهید. پس من اگر خواستم که آنرا به شما عطا کنم

کسی نمی‌تواند مانع من شود و اگر نخواستم که آنرا به شما بدهم کسی نمی‌تواند آن را به شما عطا کند پس من شایسته‌تر هستم که از من بخواهید و برتر از آن هستم که به من تضرع کنید، پس هنگام شروع هر کار کوچک و بزرگی بگوئید : «بسم الله الرحمن الرحيم» یعنی در این کار از الله سبحانه و تعالی کمک می‌گیرم که عبادت فقط شایسته اوست و فریادرس و اجابت کننده فقط اوست<sup>۱</sup>.

با تأمل در کلام امام صادق و امام عسکری در می‌یابیم که آنهایی که هنگام سختیها به غیر الله پناه می‌برند چقدر از تعالیم آنها دور افتاده‌اند.

همان‌طور که بیان شد امام صادق برای آن مرد بیان کرد که رهاننده از سختیها و رنجها فقط الله سبحانه و تعالی می‌باشد و گفت که آیا در آن ورطه نابودی دریا، دلت بجایی بسته بود که تو را نجات دهد؟ گفت آری و امام گفت: آن چیز همان الله قادر متعال می‌باشد که آنجا که ناجی نیست نجات می‌دهد و آنجا که فریاد رسی نیست به فریاد می‌رسد و نگفت که اگر مصیبتی برای تو پیش آمد از زهرا تقاضای کمک کن یا از من بخواه که حاجتت را برآورده می‌کنم.

۱- توحید، ابن بابویه قمی، ص ۲۳۱.

و با تأمل در این سخن امام صادق که به آن مرد گفت (آیا در آن ورطه نابودی دریا دلت به جایی بسته بود که تو را نجات دهد؟) در می‌یابیم که قلب پناهگاه شرک الله سبحانه و تعالی نمی‌باشد پس کسانی که قلبشان هنگام سختیها و رنجها با انبیاء و ائمه و صالحان می‌باشد، کجا و موحد خدا شناسی که هنگام سختیها دلش فقط با الله است و او را می‌خواند و از او کمک می‌جوید و با تواضع و فروتنی از او می‌خواهد، کجا؟ در حالی که می‌داند این ربّ است که قادر به زدودن و بر طرف کردن مشکل و ضرر اوست.

این دیدگاه اهل بیت (رضوان الله علیهم) در مورد این مسأله است که کاملاً روشن و آشکار می‌باشد مثل همان مسأله خواستن غیر الله که واضح و آشکار بود.

این امام علی بن حسین (زین العابدین) است که در نهایت تذلل الله ی خود را می‌خواند و می‌گوید: (بار الها تو سرور و مولای من هستی و من تنها یک عبدم و آیا جز مولی کسی به عبد رحم می‌کند؟! مولای من، سرور من تو عزیز و بزرگواری و من ذلیل و آیا کسی جز عزیز به ذلیل رحم می‌کند؟! سرورم و مولای من تو خالق و من مخلوق و آیا کسی جز خالق به مخلوق رحم می‌کند؟! مولای من و سرورم تویی بخشنده و من گدا آیا کسی جز بخشنده به گدا کمک می‌کند؟! مولای من و

سرورم تویی فریادرس و من مظلوم و بیچاره و آیا کسی جز فریاد رس به مظلوم رحم می‌کند؟!<sup>۱</sup>

تا به تمامی مردم اعلام کنند که الله سبحانه و تعالی فریاد رس است و امام، مالک هیچ چیزی برای خودش نیست جز اینکه از الله سبحانه و تعالی طلب یاری و رحمت و عفو و مغفرت کند.

امام محمد باقر از جدّه خود فاطمه زهرا روایت می‌کند و می‌گوید: (فاطمه دختر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بعد از وفات پدرش ۶۰ روز درنگ کرد و بعد به شدت مریض شد و از دعا‌های وی در زمان آه و ناله این بیماری است که می‌گوید: ای الله همیشه زنده و جاوید برحمت خود مرا یاری ده، بارالها مرا از آتش جهنم دور بدار و مرا وارد بهشت ساز و به پدرم محمد (صلی الله علیه وسلم) ملحق کن)<sup>۲</sup>.

پس نگاه کن که فاطمه زهرا، سرور زنان جهان به چه کسی پناه می‌برد و از او کمک می‌خواهد علی رغم محبتی که نسبت به پدرش محمد (صلی الله علیه وسلم) داشت از الله سبحانه و تعالی می‌خواهد که وی را به او ملحق سازد و از رسول الله مدد نجست بلکه از ربّ او و ربّ خودش کمک خواست.

۱- صحیفه سجاده، ص ۳۸۶.

۲- بحار الانوار مجلس، ج ۴۳، ص ۲۱۷.

و این امام جعفر صادق است که نیاز خود را به الله سبحانه و تعالی آشکارا اعلام می‌کند و به او امیدوار است و می‌گوید: پروردگارا تو سخن مرا می‌شنوی و جایم را می‌بینی و عالم به درون و برون من هستی و چیزی از امورات من بر تو پوشیده نیست و من بینوای فقیر و درمانده مظلوم و بیمناک دلسوزی هستم که به گناه خود اعتراف می‌کنم از تو مصرّانه به عنوان یک درمانده می‌خواهم و به عنوان یک گناهکار ذلیل به درگاهت گریه و زاری می‌کنم و به عنوان یک خائف بینوا تو را می‌خوانم دعای کسی که گردنش را برای تو فرو می‌آورد و اشکهایش را برای تو جاری می‌سازد و ترس و خوف را برای تو رام می‌سازد و در پیشگاه تو تضرع و زاری می‌کند. بارالهامرا جزء بدبخت‌ها قرار نده و برای من رثوف و مهربان باش، ای کسی که بهترین مسئول و بهترین بخشنده هستی و سپاس برای پروردگار جهانیان).<sup>۱</sup>

و امام جعفر صادق به پیروانش نماز حاجت را می‌آموخت و می‌گفت: (وقتی که  $\frac{1}{3}$  شب سپری شد برخیز و دو رکعت نماز با سوره ملک بخوان و سپس برای الله سجده کن و او را دعا کن و بگو: پروردگارا چشمها در خوابند و ستارگان چشمک می‌زنند و تو زنده و جاوید هستی و تو را خواب و چرت فرا نمی‌گیرد. و

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج، ۹۱، ص ۲۲۵.

شبهای تاریک و آسمانهای برجدار و زمین هموار و دریای عظیم و پرآب و تاریکیهای پشت سر هم از تو پوشیده نیست. ای فریادرس نیکوکاران و فریاد رس درماندگان، به رحمت خود مرا یاری ده)<sup>۱</sup>.

پس بنگر که آن امام از که مدد می‌جوید و به درگاه چه کسی دعا می‌خواند؟

آن امام از پروردگارش یاری می‌جوید و پیروانش را می‌خواند که هنگام نیاز از الله سبحانه و تعالی کمک بخواهند نه از خود امام و امام صادق خبر داده است که یاری جستن از الله سبحانه و تعالی سنت انبیاء از آدم تا خاتم (محمد) صلی الله علیه و سلم بوده است.

امام صادق می‌گوید که: (سه چیز است که در انبیاء از آدم تا زمانی که به پیامبر رسیده، تناسخ پیدا کرده و آن اینکه هنگامی که از خواب بر می‌خیزند بگویند: بار الها از تو ایمانی را می‌خواهم که قلبم به آن مژده بدهد، و یقینی را می‌خواهم تا بدانم جز آنچه که در سرنوشت من است برایم پیش نمی‌آید و مرا به قسمتی که برایم فراهم شده راضی بگردان تا دوست نداشته باشم آنچه را که عقب افتاده جلو بیاندازم و آنچه را که جلو افتاده عقب بیاندازم.

۱- مکارم اخلاق، طبرسی، ص ۳۳۷.

ای همیشه زنده جاوید به رحمت خود مرا یاری ده، و مقامم را شایسته گردان و یک لحظه مرا به خود وانگذار و بر محمد (صلی الله علیه وسلم) و آل او درود بفرست<sup>۱</sup>.

پس زمانی که انبیاء و آل بیت به الله سبحانه و تعالی پناه می‌برند و از او کمک می‌خواهند تو از چه کسی کمک می‌خواهی؟

۱- کافی، کلینی، ج ۲، ث ۵۴۲.

## یاری جستن از زهرا و ائمه. یا از خالق آنها؟

وقتی که مسلمانان در غزوه بدر نیاز به کمک پیدا کردند. الله سبحانه و تعالی از دعای آنها خبر داده که می گوید: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبِّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أُنَىٰ مَدْكُم بِالْف من الملائكة مردفين﴾<sup>۱</sup>. «به یاد آرید هنگامی را که استغاثه و زاری به پروردگار خود می کردید پس دعای شما را اجابت کرده که من سپاهی منظم از هزار فرشته به مدد شما می فرستم».

در حالی که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) زنده بود و در میان آنها بود و نیز امام علی و سیده فاطمه (رضی الله عنها) در مدینه بود ولی با وجود آنها مسلمانان ندایشان را تنها به سوی الله سبحانه و تعالی کردند. چونکه هیچ کس غیر از الله مالک نفع و ضرر نیست و محمد (صلی الله علیه وسلم) بشر و مخلوقی است که مالک نفع و ضرری برای خود نیست پس چطور می تواند مالک نفع و ضرر دیگری شود؟!

الله سبحانه و تعالی از زبان فرستاده گرامیش محمد (صلی الله علیه وسلم) کلامی را نقل می کند که متوجه تمامی مردم اعم از کافر و مسلمان می شود: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ إِنَّمَا



إِهْكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿٢١﴾.

«ای رسول بگو به امت که من مانند شما بشری هستم تنها فرق من با شما این است که به من وحی می‌رسد که الله ی شما یکتاست و هر کس به لقای او امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش الله احدی را با او شریک نگرداند».

و همچنین می‌گوید که: ﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ نَفْعًا وَلَا رَشَدًا قُلْ إِنِّي لَنْ يُخَيِّرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ﴾<sup>۱</sup>.

«و باز بگو که من مالک و قادر بر خیر و شر شما نیستم بگو که ابداً کسی مرا از قهر الله تعالی نمیتواند در پناه بگیرد و به غیر او هیچ گریزگاهی نخواهم یافت. تنها وظیفه من تبلیغ رسالت الله سبحانه و تعالی می باشد».

پس رسول، بشری است که از جانب الله جهت تبلیغ فرستاده شد و کرامت و عظمت وی بخاطر این است که الله سبحانه و تعالی وی را از میان سایر افراد بشر برگزیده است و او را برای نبوت انتخاب کرده است. در اخلاق و رفتار و شخصیت نمونه و

الگو است. ولی با وجود این عظمت برای خود یا دیگری مالک هیچ نفع و ضرری بجز مقدورات بشری نیست. (به نص قرآن کریم) پس با این وجود حال آنهایی که پایین مرتبه‌تر از پیامبر هستند و دارای فضیلت و علم کمتری نسبت به اولیاء و ائمه و صالحین هستند، چگونه می‌باشد؟

این مثال در مورد پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بود و حال مثال دیگری در مورد حضرت ابراهیم که دوست الله سبحانه و تعالی است و الله سبحانه و تعالی در مورد او در قرآن می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَأَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا اسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾<sup>۱</sup>.

«برای شما مؤمنان، بسیار پسندیده و نیکوست که به ابراهیم و اصحابش اقتدا کنید که آنها به قوم مشرک خود گفتند ما از شما و بتهای شما که به جای الله می‌پرستید به کلی بیزاریم ما مخالف و منکر شما هستیم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود

تا وقتی که به خدای یگانه ایمان آرید إلا آنکه ابراهیم به پدر خود گفت من برای تو از الله آمرزش می‌طلبم و دیگر من بر نجات تو از قهر و غضب الله هیچ کاری نتوانم کرد. بارالها ما در عالم بر تو توکل کردیم و از همه رو به درگاه تو آوردیم و بازگشت تمام خلق به سوی توست».

و همچنین عیسی (علیه السلام) آن پیامبر گرامی که بر دستان وی معجزه‌ها ایجاد می‌شد (مثل خلق به اذن الله سبحانه و تعالی و زنده کردن مردگان به اذن الله سبحانه و تعالی) که الله سبحانه و تعالی در مورد وی می‌فرماید: وقتی که مسیحیان می‌پنداشتند که حساب روز قیامت در دست عیسی مسیح است و این کار از طرف الله سبحانه و تعالی به او سپرده شده و اعتراف می‌کردند که او فرزند الله است و روح الله سبحانه و تعالی در مسیح تناسخ پیدا کرده همچنانکه در عقیده‌هایشان ثابت است الله سبحانه و تعالی چگونه آنها را اجابت کند.

الله سبحانه و تعالی متعال می‌فرماید: ﴿مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صَدِيقُهُ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنِّي يُؤَفِّكُونَ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.

«مسیح بن مریم پیامبری بیش نبود که پیش از او نیز پیامبرانی آمده‌اند و مادرش هم زنی راستگو و با ایمان بود و هر دو به حکم بشریت غذا تناول می‌کردند بنگر چگونه ما آیات خود را روشن بیان می‌کنیم آنگاه بنگر که آنان چگونه به الله دروغ می‌بندند؟ بگو ای پیامبر شما کسی را غیر الله می‌پرستید که مالک هیچ سود و زیانی نسبت به شما نخواهد بود الله است که می‌شنود و به احوال همه داناست».

الله سبحانه و تعالی بیان کرده که مسیح بشری است که غذا می‌خورد و به او محتاج است و به کسی که او را خلق کرده نیازمند است و به او ضرر نیز می‌رسد آنگاه که الله را فراموش کند. پس چطور دعا و استغاثه و نذر و قربانیهای خود را تقدیم کسی می‌کنند که مالک هیچ نفع و ضرری نیست. و نسبت به الله سبحانه و تعالی شنوا و دانایی که نجوای آنها را می‌شنود و به درون آنها آگاه است خود را به جهالت می‌زنند.

و به این علت الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنْ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَفِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۱</sup>.

«بگو کدام قدرت می‌تواند کسی را از قهر و قدرت الله ننگه دارد، اگر الله بخواهد عیسی مریم و مریم و هر که در روی زمین است را هلاک می‌گرداند که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه ملک الله است. هر چه را بخواهد خلق می‌کند و او بر همه چیز تواناست».

برای اینکه بیان کند که مسیح (علیه السلام) و مادرش با وجود جلال و ارزش و منزلتی که دارند اگر الله سبحانه و تعالی بخواهد آنها را هلاک کند، کسی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد. پس اگر مسیح و مادرش نمی‌توانند ضرری را از خود برانند پس چطور دعا و استغاثه متوجه آنها می‌شود؟!

بنابراین انبیاء و ائمه و صالحان مالک نفع و ضرری برای خود نیستند. و کسی که دعا و استغاثه به درگاه آنها بکند و قربانی و نذورات خود را تقدیم آنها بکند قطعاً به الله سبحانه و تعالی شرک ورزیده است.

پس این توجیه قرآنی زیبا را مشاهده می‌کنیم که می‌فرماید:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرِ لِدُنْيِكَ﴾<sup>۱</sup>.

«پس بدان که هیچ اللهئی جز اللهی یکتا نیست و تو بر گناه خود آمرزش طلب».

و نفرموده «فقل لا اله الا الله» چون کلمه «لا اله الا الله» راحت تر بر زبان جاری می شود ولی فهم معنا و منظور این آیه و مجسم کردن آن بر روی زمین و تحقق معنای آن هدف مورد نظر می باشد.

این برای کافران مکّه راحت بود که بگویند «لا اله الا الله» ولی آنها می دانستند که چیزی که از آنها خواسته شده بیش از مجرد و صرف ادای این جمله می باشد آنها ایمان داشتند که الله سبحانه و تعالی خالق آنهاست همچنانکه الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ﴾. و ﴿لَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ﴾.

ولی آنها الله سبحانه و تعالی را با پادشاهان زمان خود و زمانهای دیگر مقایسه می کردند که آنها به کسی اجازه ورود نمی دادند مگر اینکه واسطه مقرب و نزدیکی نزد وی داشته باشند.

می گفتند: الله سبحانه و تعالی، بسیار عظیم و عزیزتر از آن است که ما چیزی را از وی بخواهیم و الله سبحانه و تعالی شأنی والا دارد و ما گناهکاریم، چطور می توان مستقیماً از وی طلب کرد بایستی که واسطه هایی باشند که شفاعت ما را بکنند و الله سبحانه و تعالی از این داستان آنها خبر داده است و می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾<sup>۱</sup>.

«آنان که غیر الله را به دوستی و پرستش گرفتند و گفتند ما آن بتان را نمی‌پرستیم مگر برای اینکه ما را به درگاه الله نیک مقرب سازند».

یعنی ما عبادت (دعا و نذر و قربانی) خود را تقدیم آنها می‌کنیم تا ما را به الله سبحانه و تعالی نزدیک کنند. و هیچ گمان و ظنی نداشتند که چه کسی آنها را خلق کرده و چه کسی روزی آنها را می‌دهد و هنگام سختیها به آنها کمک می‌کند.

ولی آیا الله سبحانه و تعالی این ایمان را از آنها قبول می‌کند؟ و آیا این اقرار آنها به الله ی یگانه با وجود شریک قرار دادن دیگری در دعا و عبادت نفعی برای آنها دارد؟

الله سبحانه و تعالی در مورد آنها و کسانی که از آنها پیروی می‌کنند می‌فرماید: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾<sup>۲</sup>.  
«بیشتر آنها به الله ایمان نداشتند مگر اینکه به او شرک می‌ورزیدند».

۱- زمر، ۳.

۲- یوسف، ۱۰۶.

و به این دلیل الله سبحانه و تعالی محمد (صلی الله علیه و سلم) را فرستاده و رسول را بر آتش جهنم شاهد گرفت آنگاه که با وی در مورد آن شرک می‌جنگیدند و از آن دفاع می‌کردند. پس اقرار آنها به الله سبحانه و تعالی نفعی برای آنها ندارد چون عبادت را متوجه دیگری می‌کنند.

فلان و فلان از عشیره پیامبر (صلی الله علیه و سلم) نزد الله سبحانه و تعالی گرامی نیستند، مگر اینکه از شرک اعلام بیزاری کرده باشند. و از آن کناره گرفته باشند در دین اظهار محبت به مشرکان وجود ندارد. ابولهب عموی پیامبر (صلی الله علیه و سلم) بود ولی این فامیلی و خویشی نفعی برای وی نداشت چون به الله سبحانه و تعالی شرک می‌ورزید. پس کسی که به غیر الله استغاثه برد و در آنچه که جز الله کسی قادر به انجام آن نیست از دیگری کمک بخواهد و نذر خود را تقدیم غیر الله کند و از مردگان دعا بخواهد قطعاً برای الله سبحانه و تعالی شریک قائل شده است.

و بشر امروز گرامیتر از قوم نوح (علیه السلام) نزد الله سبحانه و تعالی نیستند. آنگاه که به وی مشرک شدند، همگی آنها را هلاک گردانید، جز عده کمی از مومنان که نجات یافتند. خیلی از آنهایی که غیر الله را می‌خواهند و از غیر الله کمک می‌طلبند، با وجود آنکه خود را مسلمان و منتسب به اسلام می‌دانند ولی این اسمی است که بهره‌ای از حق نبرده و اصلاً توحید با شرک



سازگاری ندارد چقدر الله سبحانه و تعالی این کثرت انسانها را سرزنش می کند که پایه های گمراهی را بنیان می نهند و می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾<sup>۱</sup>.

«همانا الله سبحانه و تعالی فضل بسیاری نسبت به مردم دارد ولی اکثر آنها سپاسگذار نیستند».

می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾<sup>۲</sup>.

و می فرماید: ﴿لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ﴾<sup>۳</sup>.

«ما راه الله و آیین حق را برای شما آوردیم ولی اکثر شما از قبول حق کراهت داشتید».

و می فرماید: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ وَهُمْ مُّشْرِكُونَ﴾.

«بیشترشان به الله ایمان نمی آورند مگر اینکه شرک میورزند».

و آیات در این مورد زیاد می باشند.

منتسب شدن شخصی به اسلام برای وی شرف و افتخار می باشد. ولی هنگامی که برای الله شریک قرار دهد و شریکانی را

۱- یونس، ۶۰.

۲- شعراء، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۸ و ...

۳- زخرف، ۷۸.

در دعا کردن هنگام سختی و سستی برای وی قرار بدهد الله سبحانه و تعالی از ایمان او و عبادت و اسلام او بی نیاز است. الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ﴾<sup>۱</sup>. «اگر کفر بورزید قطعاً الله سبحانه و تعالی از شما بی نیاز است».

و همچنین می فرماید: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾<sup>۲</sup>.

«اگر شما و همه اهل زمین یک مرتبه کافر شوید الله از همه بی نیاز است و محتاج عبادت و شکر خلق نیست».

پس برای انسان درست نیست که به عنوان و لقبی ملقب شود ولی معنا و مفهوم آنرا رها کند، به عبارت «لا اله الا الله» تمسک بجوید ولی در حرکات و سکناتش به معنای این عبارت طعنه بزنند، و شب و روز به الله سبحانه و تعالی شرک بورزد و تصور کند که فقط شهادت لفظ «لا اله الا الله» او را از آتش جهنم و کفر دنیا و آخرت می رهاند و نجات می بخشد.

۱- زمر، ۷.

۲- ابراهیم، ۸.

یک بار کتاب «اکسیر الدعوات»<sup>۱</sup> را که کتاب دعاست و میان شیعه‌ها خیلی رایج است برداشتم و در این کتاب عنوان «استغاثه از فاطمه (رضی الله عنها)، را بارها مشاهده کردم که مؤلف در آن جا گفته بود؛ (در شهر مکه دو رکعت نماز می‌خوانی و بعد از اینکه سلام دادی، ۳ بار الله اکبر بگو و زهرا را به پاکی یاد کن و به سجده برو و صد بار بگو: ای مولای من یا زهرا کمک کن، سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و دوباره آن عبارت را تکرار کن و سپس به سجده برگرد و دوباره آن عبارت را تکرار کن، سپس طرف چپ صورتت را بر زمین بگذار و دوباره آن عبارت را تکرار کن و سپس به سجده برگرد و آن عبارت را صد و ده بار تکرار کن و نیازت را بگو که به اذن الله سبحانه و تعالی حاجتت روا می‌شود)!

میان کسانی که از مخلوق کمک می‌گیرند، مخلوقی که مالک حیات و مرگ خودش نیست و مالک رزق خود نیست تا آن را به دیگری بخشد و میان کسی که از آن فریادرس کمک می‌گیرد آنگاه که او را اجابت می‌کند و سختی را از او می‌زداید فرق آشکاری وجود دارد.

## آیا الله سبحانه و تعالی برای بنده اش کافی نیست؟

الله سبحانه و تعالی همان خالق بی نیازی است که مخلوقات در سختی و مشکلات به او پناه می آورند (حقیقت فطرتی که الله سبحانه و تعالی مردم را بر آن خلق کرده است) و شخص مسلمانی که دین وی را می شناسد به او ایمان می آورد.

کلینی در کافی از داود بن قاسم جعفری روایت می کند که گفت : (به ابی جعفر ثانی گفتم: فدایت شوم، صمد کیست؟ گفت: (کسی که کم و زیاد به او نیازمند باشد).<sup>۱</sup>

و کلینی بر آن تعلیقی را آورده که می گوید: (الله سبحانه و تعالی همان کسی است که تمام مخلوقات اعم از جن و انس هنگام نیازمندیها از او طلب می کنند و هنگام سختیها به او پناه می آورند و هنگام مشکلات به او امیدوارند و از وی طلب نعمت می کنند).<sup>۲</sup>

از امام جعفر صادق روایت شده، که هر گاه از امری ترسیدی بگو: بارالها هیچ کس بی نیاز از تو نیست و تو از تمام آنهایی که خلق کرده ای بهتر و برتر هستی، پس برای من فلان چیز را فراهم

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۲۴.

کن. و در یک روایت دیگر آمده که ای کسی که از همه چیز بی‌نیاز هستی و هیچ چیز از تو بی‌نیاز نیست<sup>۱</sup>.

این امامان کجا و آنهایی که می‌گویند: «یا محمد یا علی مرا کفایت کن چون شما کفایت کننده هستید یا محمد یا علی مرا حفظ کنید چون شما حافظانید یا محمد یا علی مرا یاری دهید چون شما یاری دهندگانید. ای مولای من، یا صاحب الزمان، کمکم کن، کمکم کن، مرا درک کن، و مرا پناه ده، کجا؟! »

و الله سبحانه وتعالى از آنها می‌پرسد: آیا الله سبحانه وتعالى برای شما کافی نیست؟

آیا برای اینها کافی نیست که پروردگارشان پناه و فریادرس آنها باشد؟ همان کسی که از او یاری می‌خواهند و از او طلب امنیت و کمک می‌کنند آیا الله سبحانه وتعالى برای آنها کفایت نمی‌کند که دیگری را با او شریک می‌گردانند؟!

الله سبحانه وتعالى می‌فرماید: ﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْ ارَادَنِی اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ إِنْ أَرَادَنِی بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾<sup>۲</sup>. «و اگر از

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲- زمر، ۳۸.

آنها پرسى: «چه كسى آسمانها و زمين را آفريده؟» حتما مى گويند: «خدا!» بگو: «آيا هيچ دربارۀ معبودانى كه غير از خدا مى خوانيد انديشه مى كنيد كه اگر خدا زيانى براى من بخواهد، آيا آنها مى توانند گزند او را برطرف سازند؟! و يا اگر رحمتى براى من بخواهد، آيا آنها مى توانند جلو رحمت او را بگيرند؟!» بگو: «خدا مرا كافى است؛ و همه متوكلان تنها بر او توكل مى كنند!».

همانا شخص مسلمان با ندا و دعائى خود از الله سبحانه و تعالى نه غير او، از او مى خواهد كه نيازهايش را بر طرف كند و اندوهِش را رفع نمايد چونكه آن شخص مى داند كه طلب كمك و يارى از غير الله سبحانه و تعالى (در آنچه كه مقدور بندگان نيست) عبادت براى غير الله است.

حقيقتاً به روايتهاى دروغين بر خورد كردم كه عبرت مى باشند، عبرت براى بشرى كه نمى تواند نفعى را به خود يا ديگرى برساند آنگاه كه الله سبحانه و تعالى اراده كند كه به وى ضرر برساند و مالك حيات و ممات خود نيستند.

پس آن روايات را به هر امامى اختصاص داده اند و براى هر کدام وظيفه اى در نفع و ضرر بيان كرده اند. (على بن الحسين براى نجات از سلاطين و طلسم شياطين و محمد بن على و جعفر بن محمد براى آخرت و آن عبادتهايى كه شايسته الله است و موسى بن جعفر كه توسط او از الله سبحانه و تعالى سلامتى

می‌جوئیم و علی بن موسی که از او سلامت دریا و بیابان طلب می‌شود و محمد بن علی که رزق به وسیله او از طرف الله سبحانه و تعالی پائین می‌آید و علی بن محمد برای بخشش و نیکی به برادران و طاعت الله سبحانه و تعالی و حسن بن علی برای آخرت و اما صاحب الزمان (مهدی) هر گاه شمشیری به تو رسید از او کمک بخواه که یاریت می‌دهد).<sup>۱</sup>

سپس مجلسی صاحب بحار الانوار، دعایی را که در بر دارنده استغاثه از ائمه به نحوی که گفته شد به آن روایت الحاق می‌کند.<sup>۲</sup> و بسیاری از دعاها بر این منوال جاری گشته و ائمه به عنوان فریادرس و پناه دهنده‌ای که دعای زیارت کنندگان اینگونه آنها را وصف می‌کند، مطرح می‌شوند: (ارکان البلاد و قاضیان احکام و دروازه‌های ایمان و محل‌های بخشش، به وسیله چه کسی نجات قطعی و حتمی است، کاری نیست که شما سبب آن نباشید برای رسیدن به الله سبحانه و تعالی و وسیله نباشید پس هیچ نجات و گریز گاهی جز شما نداریم و هیچ مذهبی جز شما نداریم. ای چشمان نظاره‌گر الله سبحانه و تعالی).<sup>۳</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۳.

۲- همان، منبع.

۳- بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۷.

یکی از اینها ندا در می‌دهد (یا حسین و یا علی و یا مهدی و شاید یا عباس) و از اینها مدد می‌جویند تا نیازهایش را بر طرف کند یا مشکلی را که از آن عاجز شده رفع نماید.

پس می‌بینم که یکی (یا علی مدد) زمزمه می‌کند و دیگر ندای (یا حسین کمک کن) سر می‌دهد و آن یکی نزد مرقد امام رضا رفته و سر مرقد گریه می‌کند و خود را به ضریح می‌مالد و آن را می‌بوسد و از صاحب قبر کمک می‌خواهد و برای او نذر می‌کند!! و همچنین معتقد است که امام کاظم باب الحوائج است و دعای خود را متوجه وی می‌کند بدون اینکه از آن خالق زنده لایموت بخواهد!

این اعمال مرا به این سوال می‌خواند که: چگونه یک مسلمان روزی ۱۷ بار در نمازهای روزانه خود این کلام الله سبحانه و تعالی را تکرار می‌کند که تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌جویم و هنگامی که خواست برای رفع نیازهایش از کسی کمک بگیرد به مخلوقی مثل خود پناه می‌برد بدون اینکه کمترین اهمیتی به آن آیه بدهد که از بچگی ورد زبانش بوده است؟! می‌بینی که با تکرار این عبارت (علی را که مظهر عجایب است ندا کن) نیازهایش را بر طرف می‌کند. و در میانی که در گرفتاریها کمک توست، هر هم و غمی با ولایت تو، ای علی، بر طرف می‌شود) و سپس می‌افزاید: (ای فریاد رس فریادرسان ای



علی، کمکم کن) و پروردگار انسانها را که در قرآن کریم در مورد خودش این آیه را بیان کرده به فراموشی می سپارد.

﴿أَمِّنْ يَحِيبُ الْمَضْطَرُ إِذَا دَعَا وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾<sup>۱</sup>. «یا کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرار می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می شوید!».

و بایستی که بپرسیم آنگاه که ائمه پناهگاه نیازمندان و گریزگاه بینوایان و امن گاه ترسیده ها و قبله دعاگویان باشند و جز با ذکر نامهای آنها دعاها بر آورده نشود، پس چه فرقی میان این و آنچه که مشرکان مکه در مورد بتهایشان می پنداشتند وجود دارد؟! که

آری اینجا یک تفاوت وجود دارد و آن اینکه مشرکان مکه هنگام سختیها الله را به اخلاص می خواندند: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾<sup>۲</sup>. «هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می شوند!».

۱- سوره نمل، ۶۲.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۶۵.

ولی آنهایی که به ائمه پناه می‌برند و با ذکر نامهای آنها، آنها را  
فرا می‌خوانند در سختی و گرفتاری به الله سبحانه و تعالی شرک  
می‌ورزند.

### شعار دادن دیگر بس است.

بایستی آشکارا بگوئیم که شعارها برای تو ای انسان دیگر بس است!

تا کی می‌خواهیم با اسم اهل بیت زندگی کنیم و حال بر توحیدی که آنها زیسته‌اند زندگی نکنیم به مخلوقهای خالق بچسبیم و هنگام سختیها از آنها یاری بجوئیم و از آنها می‌خواهیم که به ما روزی و نعمت بدهند و حال به رزاق شنوا هر شکایتی را عرض کنیم؟!

تا کی می‌خواهیم از حبّ الله و رسولش صحبت کنیم و حواسمان را به کلام الله و رسولش جمع نکنیم همان کسانی که ما را به سوی الله سبحانه و تعالی تشویق کردند و نه کسی غیر او؟!

تا کی می‌خواهیم از پیروی اهل بیت صحبت کنیم و حال آنکه چیزی جز لعن و نفرین مردگان و جنگهای میان مسلمین و برانگیختن آشوبهای جاهلی از این پیروی کردن نمی‌دانیم؟!

ما کجا و تلاشهای فراوان اهل بیت در محکم کردن نشانه‌های توحید در روح و دل آدمیان و مبارزه آنها با بدعتها و خرافاتی که در جامعه مسلمین ایجاد می‌شد کجا؟

ما نیازمند دیدگاهی هستیم که توسط آن مفاهیم خود را اصلاح کرده و آنها را در باطن و جان خود محکم گردانیم تا جزء کسانی نباشیم که الله سبحانه و تعالی در مورد آنها فرموده: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾<sup>۱</sup>.

«بگو که می‌خواهید شما را بر زیانکارترین مردم آگاه سازم؟ زیان کارترین مردم آنهایی هستند که عمرشان را در راه دنیای فانی تباه کردند و به خیال باطل می‌پنداشتند که نیکوکاری می‌کنند».

---

۱- سوره کهف، آیه ۱۰۴.

## منابع

- ١ - الاعتقادات، الشيخ المفيد، تحقيق عصام عبد السيد، دار المفيد، الطبعة الثانية ١٤١٤هـ
- ٢ - بحار الانوار، العلامة محمد باقر المجلسي، مؤسسه الوفاء، بيروت، لبنان، الطبعة الثانية ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.
- ٣ - التبيان في تفسير القرآن، محمد بن الحسن الطوسي الملقب بشيخ الطائفة، تحقيق احمد حبيب قصير العاملی، مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة الأولى ١٤٠٩هـ
- ٤ - تفسير جامع الجوامع، الفضل بن الحسن الطبرسي، مؤسسه النشر الإسلامي لجماعه المدرسين، قم، الطبعة الأولى ١٤١٨هـ
- ٥ - التوحيد، ابن بابويه القمي (الملقب بالصدوق)، تحقيق سيد هاشم الحسيني الطهراني، نشر جامعه المدرسين، قم، الطبعة الأولى ١٣٨٧هـ
- ٦ - الخصال، ابن بابويه القمي (الملقب بالصدوق)، تحقيق علي اكبر غفاري، جماعه المدرسين في الحوزة، قم.
- ٧ - الصحيفه السجاديه الكامله للامام علي بن الحسين، نشر جامعه مدرسين حوزة قم.

- ۸ - الصحیفه السجادیه، بإشراف سید محمد باقر نجل سید مرتضی الموحّد الأبطحی الأصفهانی، تحقیق مؤسسه الإمام المهدي (ع)، الطبعة الأولى ۱۴۱۱هـ.
- ۹ - علل الشرائع، ابن بابویه القمي (الملقب بالصدوق)، منشورات المكتبة الحيدريه ۱۳۸۵هـ - ۱۹۶۶م.
- ۱۰ - قرب الإسناد، أبو العباس عبد الله الحميري، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۳هـ.
- ۱۱ - الكافي، الكليني، تحقيق علي أكبر غفاري، نشر دار الكتب الإسلامية، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵هـ.
- ۱۲ - المسائل السرويه، الشيخ المفيد، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
- ۱۳ - مستدرک الوسائل، المحقق النوری الطبرسی، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى ۱۴۰۸هـ.
- ۱۴ - نهج البلاغه، الإمام علی، تحقیق محمد عبده، دار المعرفه، بیروت.
- ۱۵ - وسائل الشيعه، الحر العاملي، تحقیق ونشر مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الثانية، قم.